



مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه (۳۰) فروردین ماه ۱۳۲۵

فهرست مطالب :

- ۱ - قرائت اسمی غائبین جلسه قبل .
 - ۲ - قرائت تلگرام جوابیه اعلیحضرت شاهنشاه آذربایهر و تلگرام تبریک و عرض تسلیت شورای مملکت
 - ۳ - مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه راجع به متمم بودجه ۱۳۲۵ کل کشور .
 - ۴ - تصویب صورت جلسه .
 - ۵ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه
- واقعه روز ۲۹ فروردین ۱۳۲۵

مجلس در ساعت سه صبح برینست آقای مهندس عبدالله رباضی تشکیل گردید

۱ - قرائت اسمی غائبین جلسه قبل .
رئیس - اسمی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

۲ - قرائت اسمی غائبین جلسه قبل .
رئیس - اسمی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

۲ - قرائت تلگرام جوابیه اعلیحضرت شاهنشاه آذربایهر و تلگرام عرضه مجلس شورای مملکت بمناسبت واقعه روز ۲۹ فروردین ۱۳۲۵

(بشرح زیر قرائت شد)
غائبین با اجازه - آقایان :

رئیس - تلگرافی از طرف اعلیحضرت شاهنشاه آذربایهر در جواب تلگرافی که از طرف مجلس شورای ملی بر ایشان رسید مسمود مغایره شده است .
(بشرح زیر قرائت نمودند)

دکتر خطیبی - مهندس صدقیانی - حاذقی - مهندس مجتهدی - اهری - دکتر شبانی - الیززی - آموز گلر - دکتر استعدیاری - دکتر رشتی - مبارکی - اولیاء - اوزار - یزدشکی - یوردادی - ذیحی - دکتر صالحی - ظفر - فیضی - معنی - جلوند - حبیبی .

غائبین بی اجازه - آقایان :

از قصر هماپونی شهری

دکتر میگافکی - دکتر مصباحزاده .

جناب مهندس عبدالله رباضی رئیس مجلس شورای ملی
تلگرام منتهی بر نیایش و امر از احساسات خالصانه شما بمناسبت سالگرد ۲۱ فروردین ۴۴ و دفع خطر از ما

غائبین مرخصی - آقایان :
ضری - سرلشکر هماپونی - فولادوند - دوستا -

واصل موجب خوشحالی و ایستاد خاطر گردید.
توجهات مرحوم محبتی ما را بمسئوم نمایان گن
مدس شوری منی ۱۷۷۰
۱۷۷۰ فروردین ماه ۲۵ شه

انگرفیکه از طرف مجلس مغایر شده باین شرح
۲۵۱۰۰۰

بیشکه مبارک شاخته آرزوم
بمشتت دور ۹۱ فروردین و شکرانه سلامتی
ذات مقدس منوگناه و سعادت شاخته مشتمل از سواد
خوبتین و سیاسی از پروردگوارا که در این روزها عزت
خاصه قادر ممتک شمل حال عموم ملت ایران گردید.
جان شاه اعتماد و از طرف خود و عموم نمایندگان
مجلس شورای ملی سعیدانه تری در شادمانی خود را به
بیشکه مبارک تقدیم دارم

عزوه از در که حضرت احدیت سلامت و کعبیاری
شاخته آرزوم: را مشتاد داشته و امید است سلطنت
فر افتخار ذل حایران سالان در آرزوم آفرینم توأم بوضع
مذت ایران در تری افتخار بایه شاکت آرزوم: ما بجهار
و شرمناصف انقلاب مقدس شه و موفقیت خاندان سعید
خاندان پندس دیده قاضی - و پیش مجلس شورای ملی

۴- مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه راجع به

مشم بودجه ۱۳۳۴ کل کشور
وایس - وارد دستور می شود دیالیه بحث در لایحه
مشم بودجه سال ۳۳ مطرح است آقای امید شریف
بیزاید:

واهدی - ما اجازه مطلق ریاست و همکار مستر -
در خدمت تاسیساتی عالی جهت تنظیم طرح مناسبت
برای آنکستند کلوز دستور و اجازه می خواهم رایس
را آنچه گفته شد به این صورت مختصر کنم - باقی بود
مراثر حوادث تلخ و غم و محاسبات و مشورت و نشان
ساکین آن - باغ میوه و بی آب و درختان خشک و
قناری خشک بود و پیش مغولی که بیس کرد بود، مباحثی بیما
کرد به اسم سر دانیسه که مقدس بیکار گشیدند در شای
خدمات خوش بی - غیر آرد کرد در باره لایحه از لایحه بود
مجلس - باغ میوه و بی آب و درختان خشک و
همچیز زبردت و به حد دست صاحب فنی انطبقت
محمد رضاشاه این اتمامت تکمیل شد امروز بی باغ

که ایران عزیز ما است در قناری یکس مد از دیگری
آب قناری جاری است در قناری مرث کاشته شد و در یکی
در حسی قسمت در هنوز باغ های زینبختی هستند
بیوهدهی لازم روی درختهای کهنه ای که نسبت به
از رسته در میماند زده شد آن درختانی که باید هر
شود سر شده و همسایگان آن باغ که ما منت
مانیم با خوشحالی بسیار باید همیشه بزرگواران زرع
فنی خودمان امیدوار هستیم اما در یک چنین وضعیتی باید
فراموش کرد روی قناره طبیعی این باغ باین منظم
احتیاج مبارزه با شته دارد احتیاج به قزوینی قنار
عند لزوم خواهد داشت باید موش ها را موانع بود که از
سوراج کرون درختها و زمین جلوی کرم شود و باید آنها
را از بین برد ایسا شته های که در درازا تجربه های سایر
قطب قنار شاخته شمام و سوسمن موجود است از آنها
باید استاده کرد ایسا شته های که ممکن است در سایر
باغها نیوه و در این باغ با وجود بودنه باید مبارزه
با این حشرات را ایسا کرد پس باید بمساق این مزار در
حقیقت - راه تری کرم بر سر ما حجاب توشیح کرده
خسب - فراموشی که ما در ششمه غلانی کبچونان
دولت خود همیشه بدست کرمی میوه های ممکن است
دخی من صحت داشته فلان همان میکتگ گویند ست
تا دور دیگر همه میبود و آج میوه های میبود ما

خوشتر میگویند ای - وقتی که سمیت از نوع مرغ
میکتگ سمیت کرمی این موش منضم این موش
است در سایر باغها شده است بود نوع و از زمین
بردن این موش را هنوز داریم مطالعه میکتگ بنام این
برای دیالیه عرضیم ما این قسمه اجازه می خواهم که
با آردی کرم که آنچه این موش مضم بودجه با آن
فراموشی شده که بلام قابل با دست زنی باغ
مغایرت داشت و بالاخر حتی تشیی میبوده است آردی
همه کرده بود که اگر کرمی از این مقررات بر میجی
کرد به چنین تشیی میبوده با آردی کرده اند در آنجا
یک در اشتباهی بود که کرمی منضم میکتگی کرد
کام با شعله زرد بود فرما میماند شاکت کرمی
الته همسکاران مشر بود فرما بد که نامش در آنسوق
بکراهی بک دست ما جان را بیکرد که بلوق این

یعنی بانک مرکزی قسمت اخیر کارها را تصد کرده و
آیه در اراضی بنده با نام ملی عنوان شد قسمت از
آن مربوط بانک مرکزی است پس از تصادم شدن این
صحت وارد دستگاههای مختلف شدیم - یکی از دوستان
تذکره دادند که خیلی موش ها و انواع آن هستند که
نوزاد نگردد اما باید با اجازت مانده کرد میوه در قسمت
وزارت دارائی - تصرف فرسوجوینها میگردم حساب
آقای نخست وزیر که قسمت از فرسوجوینها در صورت
مقتضای کرمی پیش باید لوقی که ما در صورت
مقتضای کرمی در این باره به احتیاجی که بیما در
دستگاهها احسان میباشیم دولت هم موافقت میکند
و خوب میکند و میبطلت قدیم بود و خوب همیشه بود
ولی شملهان تجربه نشان داد سر در لزوم باغ عوض میبود
و از این مقتضایهایی بعد بندهای دیگر که اشتباه بود
استفاده میبود (صحیح است) از آن گفته بودی بزرگ
در اینجاهت یکی اینکستفاینها شری ما مربوط میباشند
غالبتمنه صحت با مربوط میباشند و شری است اشتداد
اول این است که میگویند آنچه مربوط بودت است چه
فرود در اما کر کرم مهربم که بنیادیمان را به آن
دستگاه بجم یک کارخانه ای است آنچه مربوط به
موسسات عالیافته است اشتداد این است که با لایحه
این یکس کولت مستقیم است کاملت باین دستگاه
میکنند همه این دستگاهها بک خدمت میکنند اما از
این کولت میباشیم و باید یکی آنکه دولت با هیچ بیما
مجموع کسکی که در دست دستگاهها است با سرمایه گذاری
است از کرمی که به او امیدوار است که قناره باید
بیکرد و بیکر چه به بیج است و این مفلوت کرمی
بامت میبود که شیا قناری آثار محسی نسبت به آن
دقت در نمانده باشد و اگر فرض کنید آینه باجه سنی
رونگه در گفته بود با خدای نکره در حال حاضر ص
بین صفا هزار گنم دولتی که خرغنی باشد با ما
این حفاظت کرمی راه هر گونه چاقی را بزم میکت
چرا برای اینکه مامور کسریک شیا در سطح بالای
کدشاه با خا همکلت نگام یک میگفت که یک شخصیت
و وظیفه او در این حدود است که آن چیزی را که در آمد

دولت حساب میکند سرمایه که آن را وصول کند بعضی
اینکه دید این جنس مربوط ملان موسسه ای است که از
معاذت کرمی استفاده میکند اگر آ کرم سو - بنسی
داشته باشد میتواند موش را بزرگ آن را در کتوای ما
جوش آنکه از دستونگه باید فضاات بدی کرمی بویزد
باند مسکن است فضاات بدی کرمی مسکن باند مسکن است
بسه چاقی تریاک باند مسکن است چاقی چای باشد
(پندس) مانگنر به این شلی ما هر که میفرماید نیست
شملهان از این هم شلتر است میوه و در مورد چاقی و
این مقتضای کرمی وزارت اقتصاد صحت خواهم کرد
بعداً جواب حضرت عالی را در آن موقع عرض میکتگ
وقت دیگر که در اینجا قضاشره میگوید خدمت
و باقی با کرمی دولت صفتی میکتگ اقدام دستگاهها
مشابه است که و پیش در هر وزارتخانه و هر موسسه
اداری میباشند و ایس با کتوای بیما میبود که این
و تقابلی این تشکلات را در وزارتخانه و دیگر در موسسه
دیگر هم اشیا میبندد با بعضیهای هم لازم باشد
ولی به تقابلی این تشکلات میباشیم میبود و بی آنها
رنا همدیگر اجتم کرد من جن جمله و تقابل خاطر نیست
ولی در هر حال کنار دستور قناری و دم که و کم
بیش این موشی را برساند از دست فرار حشرات من ضرورت
بشد خاطر نیست که جمله چی بود وزارت آب و برق
بهر است به عوض کرمی همین سیاه های چراغ برق
خیابانها که فلا متول است ادامه بدهد و کار بند و جهاز
راه و وزارت کاروزی معلوم است که نوعی است اصلاح
به آن موسسه ضرورت کرمی که است میوه باندست
(نوسلی - مثل وظایف و کار کاروزی) میبندد است
که فرموده بهر حال مدعا از این موسسات همه کدام
با آنها توجه شود و آنها از اقدام کرد و کارگزاران زیاد
مصرف شریک در وقت از بود آمد فریب ۱۰ سال است
که در کشور ما سمیت از این است که تمام مصلحت
میباشد موضوع سیاه و نورست بعد از تنگه بود یکی
از مدع بسیار قوی توجه کسی زین مالک شد است
(استفاده نکلا محبت است اما اینکه اینست از یکی بود
مسک است برده که در آمد بویستی آنها پیش زرد آمد
تغ ما است البته این کار یکسال بودت نیست اینرا هم
تخصیص میبدهم ولی باستی که در روی مکتگ دولت خواهم

کردند آقای نخست وزیر احسن میباید پیشتر می
 که مشغول بوده است در این دو سال مشغول دارم نوروستی
 ۸- سالی شده ریاست سازمان ملی در این
 دو سال هم آنجا نمانده بماند این مقصد بماند توجه نشده
 ولی مقصد بماند مدام است دیگر منگنه مده است متوجه
 شده است دست جیب نوروستی و ریاست شرکت بیمه با وزارت
 دارایی و بوداری رسیده میروانند که در دستگهای
 مشاورت است معلوم شده بماند این اهل شمشیر است مضمون
 میبکند پیششود هم از این ششوری، از بی نظمی، از
 حیف و وسیع حال مردم از خود بخاری سامورین بدون
 دلسوزی در این دستگهای ریاست دولت موهبت این
 هتل شامعیان کبیر است اصح است آنجا آقای نخست
 وزیر در دستگهای مستقیم میبکند نظریه نمایند
 و دولت است در این مؤثر بود چرا برای روشن شدن مردم
 و جلب اعتماد مردم پرده ها را بالا بپزید میبند این
 کاریکه در سازمان پهلانی از دستگه و وزیرین زمان
 ما فقط پول فرستادیم بخارج است که گذاشتیم برای
 کاریکه بسیار است مگر همسایه پند بسیار است بسیار
 سلطنت خودشان را بکنند در این هتل چند میلیون خرج
 شده است بیوزن نیست آنچه مدت را کاندید می شود و بقیه
 شروع کردند نمیدانست میبکند این سوهانی است از کار
 این دستگهای ریاست دولت هم نمیدانستند آقای نخست
 وزیر از بی نظمی در این مجلس این مطلب را آقای
 وزیر دارایی در این دو سال چون متکلفه است که خود وزیر
 دارایی باید باطله آنچه که میبکند قضا باشند از کنترل
 و در دست میباید سوزاند و بقتضای معاضات هر مؤسسه ای
 یک آینه را میباید دارد یا یک آینه از این بندگان - باید معشر
 کردا احتیاج باید عمل کرد - تصویر نگه داری من
 گوش شد از دود مبارزه و فریاد میبکند این مؤسست
 ریاست باید نظمی بکنند - چرا نظم پیدا میبکند -
 اگر در صورت میباید سوزاند فریبیده میبکند - این مستقیم
 خودش یک دستگه سرچشمه برای طرح بی حساب خود
 آقای وزیر هم هست - هر که از این مؤسست بنا است
 تصرف خود را در آستان قلمت در اختیار - رئیس
 گذاشت میباید معنی هست از برای کرد که میباید این اهل
 کسی گذاشت میباید جناب آقای نخست وزیر آسبوسا

از لحاظ وظائف وزاری که باید روز روز در تمامه شدت
 منت تعیین داده شود عبادت از همه های اجتهادی است
 زبردست میباید اجتهادی و بعضی موقیعا که میباید از کار
 سربسته برضی خود خواهد کرد ولی نمیدانم در کردند
 خدمت بماند ایضاً بعضی اینها را بعضی جانشین بر امر اس
 در در وسطی نرمی و سوزان قل الاقراری اهل اعراض بود چه بود
 که با من به حق یا بظلم در پشت تریبون راجع به
 سخنانشان توکل است که اصح است که در بود که حملت در دست
 که سایر اطلاع مجلس - برسان شده بر حق می
 ولی این نمایان کنان سرور هر که که ملما و دلوزیشن
 نسبت بکار گران پیش از شمه مایه باشد خوشتر است
 میبکند که در این مطالب ملاحظاتی بکنند تا بعضی همین
 است شاید بهتر بود شنن سوالی که حضرتعالی از وزیر
 مرحومه با مسئول بر موهبت علیه میباید قانون برای
 است میباید که طبق این قانون همه های اجتهادی
 منگن این نسبت مندل این است نه چه و چه باید بنده
 حرف خلاف قانون منظور میباید جنبه آقای نخست
 وزیر ولی از اصول کلی را همه باید از دست بگیرد
 هم از این نوع مواظبت و چه باید چه چه است که کرده
 میباید باید با نماند گلت در دستم خرج آن معتقد و
 عدالت و مظرارت داشته باشند اگر این امر کلی را در
 نظر بگیرد بآفت توجه مقرر مایه موارد - تیره های
 که ما برای تسریع و سهولت در اختیار میباید گذاشتیم
 شد میباید سوله سوله استند اما دیگر که نمایان مسائل
 در آنها را جبهه فرجه و موهبت و مظهر اینها است نمیبکند مجلس
 سربسته است از این موضوع مورد نظر بنده است مصلحتی
 است که هر چه میباید در کنده میباید این موضوع است
 و آن اعتماد و امانت با بعضی مریان قانون مستعد گون
 است (اصح است) این و آن فرجه این بی نظمی ها که
 است از برای چشمه و بی نظمی و خلاف میل جاست انجام میگیرد
 بر مردم روشن است که طبق کدام فرجه و کدام مله و
 کدام استنامه و کدام اختیارات جانت مدبره صورت
 میگیرد زاده که در پشت تراکوب است این فرجه که یک
 قطعه از تراکوب خراب است که در پشت و در پشت
 کلوزی میباید فراموش کرده است اما بعد
 برای تسریع که در این سال دیگر برای است تا بعد که
 در دست میباید میباید در این راه بنده - جبهه که
 یک قطعه از مله مات میباید دیگر نمیدانم -

بمقتل شاه عباس است بانر موهبت ستر که همه است
 با مروه با مصلحت خارجی با وزارت دارایی است
 اصح است) فوراً میباید مایه است از این گرفتند برای
 ما که کار کرده و تسریع کرد تراکوب دست میبکند اما برای
 خودشان انوسیل آخر این میباید که میباید (احتیاج است)
 این است که آقای نخست وزیر - از لحاظ جلب اعتماد
 اطمینان را با وقت گذار در موهبت خرج - باید بنده
 سخنانش را در دست بیگانه (احتیاج است) ما مدتی در اینجا
 سخنانش را در دست بیگانه (احتیاج است) ما مدتی در اینجا
 از لحاظ روانشناسی اگر در این موضوع وارد بشویم
 میباید میباید میباید برای سلاسی شامته است
 جبهه میباید میباید برای سلاسی شامته است
 سلاسی جبرمت باید به جلل و صفا تفکیر - محسن
 مانع که سهد است جانش را هم جانش است بگذارد پس
 معلوم میباید که منگنه بر هر مملکت را دست دارد
 (اصح است) اگر بداند این مالیاتی که میباید برای
 آستانه میباید منگنه سرشود مالیاتی از همه موهبت
 خواهد داد و کتا بشاید یک و دو نفر نمایان واقعا
 خرخره افتد میباید که یک یک میباید شش فتر بدهد
 خدمت و دولت او میباید از اینها جدا و دستگهای
 دیگر که آنقدر بدیدر میباید که بکنند که بماند
 میباید میباید بعضی را حق نرسد آفت شام
 بنده سخن میباید اینها بدهد اما اگر خود تجزیه
 و تحلیل بکنند خودشان را این تریبون مالیات بهتر است
 در جبهه است این مالیاتی که در مورد بود در اینها با معاصر
 همان سوا با بنده که گفتیم به بی نظمی و ترتیب از هر
 کلمات کلی شون کرده - دست بنده گفت میشد
 میبکند مستحق و همگی - در تراکوب گداخت است
 از که میباید که این اهل داره میباید با سوت
 درستی مند و سالی که در حق به سلطنت جبهه میباید
 پس از هکاری با حزب ایران بنویس گویا سیاست حزبی
 است با کله خمدار دولت است که چرا من در راه ایشان
 نیست دیگر مسئول بر این است میباید که این مطالب را
 خصوص نمایان کنان گویا در اینها با کتا بکنند
 تا من از اینجاست از این بنده میباید که در این
 بر خلاف خیلی از بنده دیگر و حق که بوزن دارایی
 رفت فکر نکرد کهدهی است بنده خرمه و اگر خواهد

میرزا را بیع می‌کنند، و با همان را بخواهر می‌فروشد هر کسی خواست می‌تواند بکند ولی در اینجا به تشکیلاتی که شده بود و در آن ختم شده است دست زدن بر این اساس نباید در مملکت مافی ارض کارها می‌تواند بر طبق صورت فعلی در مملکت مربوط است اگر بگوییم بنام سرکار رستم پسر سردار قورقون و نه و محمود همتا گسروی و بوقیع خود را آورده سرکار گذاشت این عمل گسرازی نیست این را باید از سر کار کرد و نگذارد و چون آقا میرزا همتا نسبت فائق شده که اگر کم توانم بود بدستگاه موجوده اجازه داده شد و اگر نتوانم چون سابق در وزارت امور خارجه بوده رفیق وزارت خارجه را آورده بنیاد اینکار را نگذارد و این یک احترامی است که در همه اینها بر موقوفین سابق و فعلی و معلومین در این امری که گناه و این احترام متعلق تالیف می‌کنند، اگر چه هر که در زانو می‌نشیند که مملکت را پیش می‌کنند و باقیانی که در وزارت و وزارت شده اند صدی که همان کار ایران نیستند و معلومین هستند مگر شما معلومین هم این مملکت شماست احسن از هر ایشان از یک سبب دیگر تشکر می‌کنند و امیدوارم سرسوخ و دیگران بنده و آن این است که حرف در مساجد و جوامع و اجتماعات پسران خسته بسیار تشکر می‌کنند و بنام خود می‌نویسند و در این مصلحتی که در این مصلحت خود جنابانی می‌نویسند و در کتابهای بیادیند روز و بگذرد و بنام خود ساعت سر می‌نویسند و در اینجا به بازی این مینویسند اینها مثل اصلاح کوریم و حلو این حرفها را اگر قریب بود اینها را در آوریم تا نماند این از اینجا که تشریف بردند بر خلاف آنچه که در گذشته شنیدیم سدهای لغوی در سپید که آقای تیری فلان حرف را بر آن گفت که پس عمویش در دهان رسنگاه که می‌بارد و در روز متعلق خمشش کردند و صد می‌کنند میبود که آقای تیری اصلاحی می‌نویسند و باقی می‌نویسند آقای همتی ارفع که از لنگرگانی فلان تذکر را داده این جهت بوده که بعضی خوشی در جنگهای بوده است فلان حرف را منصرف پرداخت نمود و جدا که تحقیق کنند ببینند آقای همتی ارفع هر کس حرف می‌نویسد بنام این حرفهایی که در اینها طرفدار و کلا تشکر می‌نویسد حرف توفیق

شما بودید مملکت از آنچه که چه در صورت خود نشود چیز دیگری نیست (استدسی - کاملاً صحیح است) آقای وزیر اقتصاد که در سوزنرات آینه در پیش خود گذاشتند دومی اقتصاد تشریف نه از آمد خوشبختانه در ایشان تشریف فرزند مناسبت رشد اقتصادی که عیب ملت و مملکت ایران شده و به مناسبت ثبات اقتصادی که مملکت ما داشتند و متأسفانه در دولت شما دولت قبلی که شما شرکت داشتید معقود من بشکلی داشت در حق خسته و در برید و این امر را ۱۹۰۶ سال این رشد بالا آمدند فقط مربوط بشما باشد بشما بیکبار از طرف بالا ایران ندانم بود روزها در جهت مناسبت سرکار از طرف (احسن) از تمام کارهایی که در گذشته و در دولت شما در اجرائی اینک ما می‌بینیم بودند تشکر می‌کنند (تشکر شفیع امین - خیلی زیست کشیدند ما آن جناب آقای مستخوذی در ملت ما را سازماندهی می‌کنند که باقی ما را سازماندهی کرده نیمه هریک آمولی را بیوری می‌کنند من در مورد مراجعه کرد در این مرتبه من یک اما در حال حاضر تا عمالی دارم که موقع عرض می‌کنم اما در حال حاضر تا موهبی که اطلاع نشده دارید جزء بی سرماندهای خود شما باشد نخواهد اصلاح یکدیگر من بیادمان فلان این استند برای مملکت که تمام کارها از کوچکترین عدو که شروع می‌نمود ملت با پشتیگری که از ایشان با ما می‌نمودند تا ما جمله بر حق هر مرد، مستور فرماید، بیرونده است بطور بالا بود تا بمقتضای وزارت پسرده هیچ قسمی رویش گرفته نمی‌بود من می‌فهمم مینماید وزیر و در پیشگاه مملکتی که در دستش بود من فهمی بر داشته و بعضی بی سرماندهای بزرگی بود در پیش دارد باز مملکتی که بر ماندهای در دستش بود من گران در دانات، زیاد کردن مصادرات داد، اصلاحخانه خوب آن‌ها که روزگرتین از آدمیهای خرد ایران بود و موجب بیستادگرایی ملت ایران است به هر ملت نامردی دارد کارگر کی کمیندوز از اروپاییان نوسان در آمدند تمام تشکر می‌کنند بگذرد آنکه می‌گویند مملکت ایران بکلی از نو زنگی است که مناسبتی است که از لحاظ منابع بر زمینش نیست که بنده که بدیدم از آنجا دارم از اقتصاد ما مستجاب شد در حال حاضر معلوم می‌شود که اگر ما اصلاحات را انجام می‌دهیم اینها را که باید از آنها متوجه شویم حالا معلومین من

ساعت وقت نخست روز را می‌گیرند و استعفا می‌کنند دستور دهند و این دوره ای که بود آنها سرای ملت استعفا می‌کنند که زمانه شاه چه چوری می‌تواند بکند اقتصاد در زمانه من نیز کند ما ناچاریم که نمایان این مسائل را شخص جانتان با وجود پدیده را کوچکتر از من را بگذارید اگر که آقای هوییدا مدعیان نیستند و تشریح می‌کنند به وزارت اقتصاد حاضر بود کردی یعنی از تمام آفتاب من به متکیان وزارت اقتصاد اینان می‌نویسند می‌کنم برای اتمام احسان چیزی که من عرض کرده کمینش خرجها این سازمانها را جمع کردید در یک جا که بتواند موازنه قیمت فلزا در بازار و کارهای وجه در دست بگیرند آفتاب می‌توانست آقای باطنی من حساب می‌کنم که حالا با شما یک می‌کند باین هوش یا این سوال و باین اوقات که از خود نتوان دادی و اینده قست بازی کنی شعرا دوست بگیرند ولی در وضع فعلی دوست عزیز ما که وقتی بیشتر می‌بینم می‌آید همه بسواد ایشان احترام می‌کنند ولی وقتی کسی می‌کند آن درباری اقتصادی که ایشان باید اداره کنند و این امرجات را بتمامی که مردم دارند چسبند و در آید پیدا می‌کنند نمیتوان قبول کم (صحیح است - احسن) اینها مناسبت است که تشکر از اینها می‌کنند می‌گویند باید خود آقای وزیر عصیم بگیرد وزیر بیچاره مگر در حال پیشتر از ۳۵ روز وقت دارد مگر می‌تواند وزیرا دید ابراهیم بعزیز نیست برسانی به رضی تنکلیان ما است اگر یک روزی در برمی‌آید آنچه که عرض خواهم کرد شما موفق بود بر خلاف بویه گفته که نمایان اختیار است مسئولیت با جزو است مسئولان دایره اعظم دایره مسئولی دادید که تمام می‌کنند برود خلق کند آفتاب تنکلیان وزیر ایشان است تمام صحیح است می‌گویند که آقای هاراجاتی یک زنی است و در وزارت اقتصاد از اقتصاد اینها می‌کنند ولی تا وقتی که برای گران خرج سفری چهارمیل قد بنده می‌نویسد در املاق نخستوزیری بعضی از نهادهای که که یک

تخصیص قیسه عیاشی را هم بر میگردد یعنی چه میانی یکی از هند است و به آنجا است که کارگاه را خلق خود ششم برپندارهند. هر چند که تشکیل کنند که گروهی را بر پروردگار بگیرند خرید کنند چرا این ساعت ۱۰۰ دوسری ۱۰۰ تومان همان خریدار بود که گویند ما وزارت اقتصاد و اداره ثبت قیسه ما که کردیم از شش قسمتی که خودمان بود پشت سرش رقیبه و ما هم در موافقت بود از آن کردیم که گفتند این منظور نبوده دیگر در پرونده نیست اما آنها که گفتند که این ساعت ما یا این منصفان قبضت از این جهت ۱۰۰ دوسری است که احدی این قسمت با سایر اسامی دارد فرق در قابل مقایسه با آنها باشد یعنی تلفظ بهتر میگویم بر زبان خلاص داد اینکه دستگاری میخواند بدون رعایت مقررات طرفه انجمن آموزش با اولیاد وزارت اقتصاد است نه آن ثبت قیسه که ما در مشاوره ایالات و ایالتها همما شاهدانما انتظام دادیم که مردم در جشن را مقدماتی واقی بخردند و از آن گرفتند و کسی که صورت گرفته بود و اداره مردم و از چندین جوی گیری کتند آن کار درست کردن وزارت اقتصاد شاخه انجمن میگیرند (مستند - تأیید آید است) جناب آقای خسروانی شما بر میسر کار هستید دقیق دادم پیش از همه مدارک کارگاه که در چندین مطلب مصرف کارگری را که در وزارت بازرگانی را اداره میباشند عرض میکنم مستوفی حفظ موازنه سازد زین شدن شما کلا از بودی از مصرف کم شدن یک کلا که موجب زیود شدن قیسه بود و سطح میباید موازنه وزارت اقتصاد که سهوا در دست خود نگهاده اند مثلا در صورت بودی گانی را زیاد کنند که لازم است اینچنین باشد یعنی میگردد که هیچ سطحی هم در نظر من ندارد جناب آقای خسروانی وزیر هر چه کرد ما پشت این نیز نیویوم فرمایند میماند با او یکی هم و شما از پشت این نیز بودید با من هم میماند این اختیاری که برای استفاده مردم در اختیار وزارت اقتصاد قرار گرفته که مثلا از ۱۰۰ همیسه را زیاد و کم کنند خود بازرگانی را زیاد و کم کنند کارگاه آقای خسروانی جنس را از آن طرفه موجب بود و سود استفاده دستگاه و وزارت اقتصاد شاخه است یعنی اسامی آنست که در وزارت اقتصاد برای منصفان اختصاص میباید اما هم که خواست کم میکنند باز برای استفاده اختصاص میباید ۱۰۰ دوسری این پیشرفهای اقتصادی که بسیار مان ایران شده اگر این مابذ را دعایت چند بیشتر شود بود

برای طرفه خشکی یادداشت رسیده بود یک شوخی نیست که یک محقق اینک نشد باشد البته نوشته خواص میگردد پیشنهاد نظر ما شد جناب آقای خسروانی موافقت کنند نام اداره ثبت قیسه با اداره ترغیب قیسه تا تبدیل شود امبارگ است (مستند - احتیاجی - دبیر نامه نیست) میخواند هست ۱۰۰ منظور این کار نامع و یکسان نبود و از وزیر دارائی طرفه داشتند در مردم و وزارت اقتصاد شاخه است یعنی قیسه ای که کسی شصت است اشتباه بکنم با هم منظور بود که خود جناب آقای نخست وزیر در میان شان فرمودند ترغیب اقتصادی هر کدام را از انسان میخواند از ابتدا تا آخر بنظر میرسد که تابع بیشتر است نظر مردم هم بر این است که گرفت و در ملکات بیشتر از آبیوزی که از لحاظ حفظ نوزاد نوزادان و از نظر خارجی اهمیت دارد موقوف در آمدش سهم است بیشتر از سایر میلیون تومان در آمد کمرگ است وزارت در آمد وزارت دارائی است فقط من خیال میکنم اداره کمرگ با ما بیاعتبار وزارت دارائی باشد یعنی مناسب در جهت وزارت اقتصاد اشتراکی شد که حالا تکمیل میگردند دست وزارت اقتصاد و در کنگه بوداری اگر کار ایجاد گرفته بنا خواهد گرفت و در وزارت دارائی شد خود ثابت شد معذرتی که می کرد بدوچ طرفه دارائی از طرفی خواهی دستگاری از کت دست و وقتی که به آن دستگاری میبوده نتیجه آمار فقط شاخه را در اقتصاد میباید بجزر خواهد کرد قسمت دوم عقیدت کمرگ که در سازمان است که قیاق و از ترویج میگردند عرض کردیم در مدتی را با پیش از آمدن چون نقش تورا بین در آتش انداز بودی یکی از فرمایشات شماست از آن جهت است که اینها را بطورهای خود را در آتش میازارن آقای نخست وزیر و آقای وزیر دارائی اینکه برای ما حقوق فرمائی است در این صلاح با مقصود دادوستد باغیان من هم سرافق با باقی عمل یعنی یعنی کتند و مردم عقاباتی کمرگ که در امور و قیسه ای دیگر از آنجا است که موقوف شد در این لایحه بود که شاد و میگردید نمند داشتند نوسه داده بود این خودخواه هم صرف می کنند این خصوص هستند از آنکه قابل توجه است (کنگر از نماینده گان - تحریر فرمایند) خبر ما در آمدن در هیچکس مطلق شده

کریون جنس داشته باشد - صحبت من نیست که حضرتعالی فرموده اید زاهد از آنجا بود که صحبت من است که نه از آنجا من بر وجه صدق خدمت است ایران مطیع ترین فرد شخصیت است در کنگه امور مملکت احسن است اینجا عیاشی را من هیچ دستگاری است هیچ که فرانسه بیست و هفتصد و پنجاه بیست و هشت است از آنجا در رسیدن بدون پرداخت حقوق کمرگی حق و از کتند حسی داشته باشد اگر همین کمکی که بیگانه از آنجا در رسیدن میشود ملاحظه آن در بودجه آن وزارتخانه پیشتر یعنی سابقه که حقوق کمرگی را از بودجه خود بریزد هر چند این عمل از لحاظ خزانه دولت ظاهراً قانونی دادود ملاحظه فرمایند که فرمایشاتشان را مدعا از چه کس اختلافات دقیق میفرمایند هر چند این عمل از لحاظ خزانه دولت ظاهراً قانونی دادود ولی از نظر اعتبار سببید فرمایش ایشان چه موردیست یا خواسته ملت تطبیق دادود ولی از نظری مفسد و زور با وجودی که میگویند (صحیح است) مملکت مسترحه که در حال ایران نوین ترغیب در اندام هم مملکت عزیزه متصرفین و سایر ممالکان مسترحه در این بودجه صرف که مطرح است در این چشم بودجه ما و طبقه ناداریم و این فرمایش را من سبب خودم اگر میل از دیدن من میباشند میباشند شما سبب فرمایند از آنجا شاخته از اطلاعات کرده باقیم با شما پیشنهاد فرمایند ما جان و در صورت میگردید موقوف تقییم فرمایند در بودجه نگذارند که یک عقاباتی کمرگی که بدون اشتباه لو کرده (احسن) لایحه شما جناب آقای خسروانی پروردگار اطلاع شما مستشارین ما این میگردید که دستگاری را در بودجه زدودند تقییم میشود خلاف این مورد بود عمل میکنند کنگه کارها را نکند میگردند یک مطلق که نمایان به وزارت اقتصاد بسکی میباشند میباشند یک کتند که میگردید از آنجا در بودجه مملکت مستشارین باقی با موقوفات جنسی که از ایشان را باشد که در بودجه بانک معصوم و وضعی خصوص در این لایحه مستشارین بود و از آن نقطه نظر اینکه کت در پیش است و چندین میلیون ایرانی خودخواه هم صرف می کنند این خصوص هستند از آنکه قابل توجه است (کنگر از نماینده گان - تحریر فرمایند) خبر ما در آمدن در هیچکس مطلق شده

که اینها بی نظمی که در مضاف این مواد خود اگر میبود صحیح است با آن نظیر که در مضاف اینها مطلقین بکار بنه میگویند که این مواد مود است که مرئی من عرض است آنجا است جناب آقای نخست وزیر ما اینهمه در شش مختلف بیست و هشت در بودجه بود تقییم شد کردیم وزارت دارائی که بعلوی دست سابقه داشته است که اینها هم حساب و از آنجا کرده کدام مثل شرفی تری من ممالک ای جلو گیری از میگردید چطور شما موقوف شده که یکی از آن بودی نمایان را فرستند در وزارت اقتصاد مطلق تقییم کنند و اعلام رسمی کنند که مدعیای آنجا که ملت این مواد را با اینها مطلق مصرف کند و باطلان کارخانه فرمایند برای هر کتند جیب خود شک میبودند میگردید و از آنجا که باعث ازین و کتند است بر میگردد یک چیز ترغیب فرمایند میباید که بر نامه خود است که در تمام سینهها اجرا میشود برای ترغیب روح انسانی (خدمت نمایندگان) وزیر اقتصادی که بخواد در برای اقتصاد را بگرداند جناب آقای نخست وزیر در آنجا میگردید این اختیاطی مقرر بود البته نوشته داشتند وزارت اقتصاد را که پشت در بودجه بخواد فعل ۱۰۰ از کتاب وزارت در ترغیب مطلق که در این باره نوشته حفظ است برای شما میخواند که تنها را در کتند داشت قیسه مواد نقلی این است که فدای اینها استادان بر بود بودی توانند روی این خصوص کتند میگویند ما اصلا در یک مملکت حتی این مثل اینها میباید که همه چیز مان کتند برود چندان آقای معلوم وزارت اقتصاد از همین یکی که شده بیزاری این قسمت را من استعجابم در این فرمایند که غلابی که هر کس میخورد ما با دخی خیال بخورد یا اصلا تصور آبیرو - برود که گفته خان هم برید کردید اما مطلق در هم که از لحاظ دولت و غیر مستقیم در آن مربوط است نقد میخواست که این وزارت اقتصاد که در این منابع طبقه اندود کتند و تقویت و جاب داری در همین فرمایند که یوازد این دستگاه بودی چند در دست است اگر این نباید کم است چطور سری

جو هر دارقمت با همراهمگر جزاوه مبرهنه ا و دگرپور
 همنی - جو هر نشان هم مان روفی ناپهتین است! اگر
 این غم از آرزوست ما است دولت - چطور ا بدهد او
 بلاخره با شعلت آفری بر کرده به از این نسبت قیومت
 در تمام مدت است جزاوه موزعت که مورد احتیاج همه
 است فنودگی است و در از همه اینها برسی و کینت
 و اولی هم گند است شادای این سوئی جو هر ما
 این همه نیشانی است که اقتضای شمر شده و دیگر
 دارد آبروی مملکت را میریزد است که قیمت ها را
 پایین میسازد (صحیح است) یک شکرگونی
 یافته کرده به کسب هر کس اشتهار معروف و معلوم
 ریون و ذاتی ا خاندانها یعنی کارکنان و مکتب مناسبت
 به شمشیرگراف کرده اند نسیه در هر صورت گشت اطلاع
 ریشه که سهیمه کرد در آن مواد خام روفی نباتی که در
 همت ما در آنچه به محبت هاست خود را چنان مطلق در برابر
 طلب دارد و چه ضروری میکند خود بر و زین مطلق
 است بهر حال گشتند کند این مورد توجه میکند موقی
 کیه بود اولی در وقتها را میشود از مواد قابل تصرف داخلی
 نمیکرد و آنچه گشتند از ذخایر و در دسترس است منافعت
 گمراگی (صحیح است) اما این وجه به موافقت نشیند
 که دیالکتی صحت جانی بیش میآید من به اشتغال
 کار با اعزازهای واقف و اوقاف میکتب جناب آقای
 مستغزیر جنابانی خبر اگر کسی بود که معجزه هم
 میگرد بصدقی بود که در ظرف بیست و دو روز تمامه اها
 انعام بصدقی باشد بودی با شروع کردیم را در دست
 من یاد آوریدیم اگر امکان دارد اجماع مدعی دیگر
 اشک ندارد در فکر اجماع باید طریب نیشته این این
 ممکن نمده گمراگی بصدقی اگر بود چنانچه در مسلمان
 رنگهای مختلفی است که موافق غفالی زود بود و بر سر فلان
 است) وارد این بحث نمی و کار می شده نسیه و آنچه
 که مسلم است اجتناباتی که در تمام خاندان خود بر می نمود
 چای که در دوزخ با خاندان خود در دست زبیری است بخورد
 جنابانی میبندد اشعاع میکتب خود قضاها می بخورد
 بریزد و دین ساخته اند این را امتحان بر او نموده اند
 سه مگردو چای گیسو گمراگی و دقتی را بانه و ملیارها
 سوا استفاده با سلامتی عمل می میکنند و یک و زین مطلق

سپهر ریاضی که واقف در کارش مقدر و مدبر است چنانچه
 توانست است هنوز با استفاده از امکات نظمی است حلوی
 فنودگی و این گشت بری و درختان شس که هنوز
 استفاده چنان سن اوقتی با ما موزین شده اند گمراگی
 آقای وزیر و این فرما از جنابانی اشعاع میکتب که برود
 استفاده گند گن نامه کاسیانه که هر چه در اوردن است
 نظارت بر فرمایند ما یک مالک شس که شاید بهانه
 نکرده باشد بیک سرخی کاروبوست سابق طلب افتادگی
 در طرفیست سال انعام اوایم ولی هنوز دوست
 سال کار دارم جناب آقای نخست وزیر شما اگر
 تا غرضت بشینید و کار بکنید ولی اگر فراد باشد
 عاجز سوا استفاده از آنما بیک طرفی دیگر از همان
 نوع موزیاتی که عرض کرده عرضتم و بی اثر کرده
 باشد و باید ما موزین بشی شما این سوا هم کاسیانه
 کند در طرفیست این است که خود سوا یا بی سوا اطاق
 ششینه با هم دیگر فرمول درست بکنند (صحیح است)
 دولت با بهر حال مقتضای داشته باشد که از احتیاج تصدی
 کاسی که بدین جهت ضروری است با بالا میبرد و بی اصفی
 را به حد اعلا رسانیم بعد جلوی گیری بیود و وزارت اقتصاد
 جناب آقای نخست وزیر اینکار را کرده قمت عد که
 وقتیم و این اقتصاد این است در هر قمت که معاونی
 دارد و جلوی گیری بود میبندد کیه سوا اسما چنان حق
 که قبل از این واردت با قبل از این مستوعات از این
 طریق اضافه میگرد فوری حال آنها بکنید برای
 اینکه بی نسیه کوچک آقای شس من میل دارم بودن
 اینکه وقتین من اینها میسر شود و وزیر مویکیزا را موزین
 شد در او بود پیش میبندد که بعد گشت ما وزیر و
 و کیا و مقامات مملکتی را برید من بشا میگویم
 چه چقدر اسم ایران و هر چه این ازل وقت ایران و
 نشانده عزیزان را برید که بالایی عمل مملکتی هتد
 مردم بیجان دل میرند (صحیح است) اما از اسم من
 خوشتران طلبی شما بجای اینکه اول مطلب را عرض
 بکنید این مطلب را بگوید زامد و زامد هم نگویید
 بلی از کلا من باقتن زامد نگویید نگویید بکس
 از کلا در پیشن تر میون این فرمایش شاهنده را خواند
 بنده خیار میکتبین از بلبل و غنای فرعون از خود
 کرد در قمت منابع طلب من اصلی من این است که آه

نامت ازین برودن گمراگی گمراگی من شود از قبل زود
 زان دخته و امثال آن حسا باید منوع گردد علاوه
 برای اجناسی که به مصرف از خانه های جدید آتیس و
 صنایع کوچک مزارعت میبندد باید مودرت قفل شد
 در مورد صنایع داخلی جناب آقای نخست وزیر جنابانی
 مدنی ما موزیت های خارجی را داشته مدنی هم
 ما موزیت های عالی در مملکت داشتند با چو رفتان تمام
 هرگز کار فرمای بودی بیستی از وزیر شاه که در شهر ستانها
 خدمانی کرده اند میبندد که هر شریستن و هر قست
 این را یک منابع کوچک بینه قابل توجهی دارد (صحیح
 است) و این صنایع است که به قیمت
 ما بعلت ما من ما، موجودیت میا یک
 چنانچه تشکیک میدهد با اینها توجه فرمایند صنایع
 رایج موزینه با موزیاتی که من میبندد امثال
 طایر و اگر میبندد از بیارچه جانی اشعاع
 بهتر است در مملکت دیگر اگر چنین چیزی
 باشد خیلی قویت میبندد ولی مملکت ما به این قمت
 در ریاضی اقتصاد شملیال بعد جناب آقای دکتر
 آموزگار در وقت زین صحبت در آنچه با قستی رایج
 بود جلوی گیری از اوقات بسند که در خیال میکتب آهم
 بهر برای اقتصاد مربوط است و با یکدیگر دیگر میبندد
 همه احوال آنچه که در روزنامهها میخوانم اگر دروغ
 است چرا احوالشان دروغ را میگوید و اگر کار ساست
 چرا ارقامی نمیکند و واقعا از یک نقطه نظر جناب آقای
 نخست وزیر شاهای نمونیده داشته باشد لایحه
 آورید که کار گمراگی تفکیک نمونیده قبول کردیم صوب
 شد، لایحه آورید که هواپسای گمراگی بخریم قبول
 کردیم (لایحه آورید که هواپسای گمراگی را بخریم
 قبول کردیم لایحه آورید که لغتنامه محکم قبول کردیم
 بلاخره جناب آقای نخست وزیر این مسائل را دختران سوا
 بکنید اگر مطلب ساده ای بود که من ما شمس
 مربوط است و دقیقه هم شمشیر محبت میگرد بهیست این
 بحث لازم دارد اگر اینها نیستند منتمدی فرد دیگری
 نگارید یک مملکتی که مملکتی که موفق شمسک آری

مثل اصلاحات ارضی را انعام بدهد که تبادل و اقتضای
 میبندد که بهر مصلحت خود درین بهتر از نسیه میبندد که در دوا
 بیساعت است (صحیح است) این نسیه موزین ما مکتب
 خود استانی بیش از ۱۰ میلیون نفر آدم در امر اصلاحات
 ارضی کشته شده است وقت در مملکت ایران اگر یک موزین
 از برای کسی زانمده عراق است و وقتی یک ملیاریه آیه که
 در ممالک دیگر ناراحتی داشته بود با چنانچه است آتوق چلو
 ما سوا این را در دوزخ قافین جلوی گیری کسین در زارت
 خارجه هم در مورد قتیچت بند محبت و در سر عالی رفتی
 لایحه آورید که هواپسای را بخرید برای نمونه برای
 اینکه فراد اگر زامد هم آنستونیکار از نسیه است
 شمسک باندن که حساب و کسب در زمینیات صحت هیچ
 خواستند تشکیک میدهد با اینها توجه فرمایند صنایع
 رایج موزینه با موزیاتی که من میبندد امثال
 میفروشد و وقتی سلوم شد که قالی که خرج بی صرف
 کرده لایق نویسد که از ترفیع جلو گیری شود اما
 این حسابا نیست یک قمت دیگر موزین و وزارت
 اقتصاد موزین باشد است. موجب اشتغال دیگر برای هر
 ایرانی است موزین میرود و بیشتر قالی که در ساختمان
 سازی مثل بندو خوک را در جنوب میبندد (صحیح است)
 بلاخره هر سوا طایر که مشغول این کار است ما از دولت که
 میری امر شاهنده بود که تفکر میکتب و سوا این کار
 بیاید باقیه و در سوا طایر ساحتهای مسالک دیگر
 میخوانیم از دولت سوا یافتن بهر برای آزاد است یک
 دشرمی بیداری آزاد بیشتر از هر گونه مسائل مهمی
 مورد توجه ممالک دیاست میبندد که دشرمی به
 در برای آزاد موجب چو چو میآید - چه حلشن وجه نسیه
 خواهد بود است اشعاع میکتب توجهی که بجنوب میشود
 موجب تشکرات تومسه بدهند، تقویت کنند و اشهرار
 داشته باشند از همین حالا در جاهای مثل ریون رضای
 حیدر و حسین و اهانیکه در مورد عیب و غریب وارد
 میشود جلوی گیری کشته ممان است نظرات من نظرات من
 بنده نظرات را قضای شما ولی چون من روی محبت
 از برای این عرض می کردیم اینها بشا و بعضی بیشتر قالی
 قضای که عیب مملکت ما شده و واقعا به درشت است

سازمان منعی را از طرف خود بر اجود عرض میسازد
 بود شاید مطلب در این باره باشد بنابراین در کمی
 بود کند شرایط این مشورت نیز فقط در این صورت
 خواهد بود که در این باره در اختیار دولت باشد
 ممکن است این بود در این باره در اختیار دولت باشد
 هم فایده داشته باشد ولی بشرط در وزارت اقتصاد
 که در وزارت راه باید رسیدگی بشود بنیوتد تصدی
 بشود بر این امر و بعد برای تکمیل فرود در ایران
 حاضر در بر این مملکت و ملت ایران همه گونه حمایت
 کنند و برای تمامه ایران هم باید برای احتیاج
 فرود مستخدمین باید توجه کنند که از تهیه کمک
 بنادر جنوب میگذرد و شکست برسد یکی بکار آید
 تا خودی میرسد امیدوارم جناب آقای نخست
 توجه فرموده باشند در وضعیت استفاده و استخراج
 کارگران در شانود خود خلیج سوم ایران
 هستند استفاده خود را میباشند - خیلی بی اصلاح
 حرف میزند کارگران گندمان این حرف را بنده نمیتوانم
 کارهای است که از طرف تک ملاحظه من قضایه
 شکایت آید آنها که کمسیون عراض فرستادم
 بنادر و کمی که دولت متوازی مرتزی دارد باید
 بعد من از اقدامات شایان توجیه که خواهر والا
 نشانند ما با اعتراضات شمس پهلوی از اقدامات
 جنوب کرده اند بسیار آید و اجتناب از هر زمانی
 که می تواند به من به عنوان مرتزی دارد باید
 وطن خواهی خود را انجام داده است (اجت) اگر
 مسجد در راه وزارت اقتصاد زیاد بشود عرض کردم
 فقیری ندارم چون در راه اقتصادات منتهی
 نظیر این تمام افراد ملت ایران از زمین داشته باشند
 خودمان بود باید خود خود دولت چه کند
 منابع عام خود پیش سایر پیشرفتها بیشتر میکند
 ولی جناب آقای نخست وزیر اگر همه اینها در
 اینجا تکمیل شود که کشور قسمت میرود است جا
 سیاست ششم ما در راهی برود که صرف کنند
 یکدیگر علاوه بر اینکه منبع را با احتیاجات خود را
 میکند از راهی بهتر بگشاید میرسد - این دولت
 البته توسعه منعی را با بخشایش از خروج ارزها

میکند ولی چیزی مستمرا را نسبی کرد که در ابتدای
 این کارخانه باشد بشود از روی دولت مساجدان این کار
 ها میکنند و از طرف دولت این کارخانه را
 سایر این شده توجه بر اینست که تنها از زمین
 جسد و ایستگاه و ماشین این مساجدان متوقف
 بلکه باید در صورتی که اینها را بشود تکمیل
 دولت مساجدان صانع کرده است از راهی که دولت
 شش تا بیست و شش کلمه کار برای کار کرده
 که بیست و شش کلمه کار کرده و سود بزرگ
 اینهمه از برای دولت فرود آمدن میشود از
 میرسد اما از کارهای که جنسی با اینها
 در هر وقت برای برسد در وقتش هم یک
 داشته باشیم که سایر ایادی بشود بهتر از این
 که مایک کارخانه های بخورس و جانش را
 چند برابر مردم بجم من یک ملت برای شایسته
 موفقیت هر سال با مالود در دولت خودمان
 وزیر و ملتین و مسترزده که کمال مطلوب انگلی
 را میباشند و شن میکنند همیشه این مساجدان
 موضوع آموختن های ما بخاطر این است که
 شد آمدند یک مقدار از ملتین مساجدان مستقیم
 شده و این در بعضی از اینها است که مستقیم
 ولی این مطلب طرح نیست کارخانه ای
 اسباب کمال احتیاج است و کمال شکر از کسانی
 که در این تیرم تم بر داشتند و همکاری کرده اند
 یک حالی هم در این باره یک طرح که در
 حاضر نشیند تمام نیازها را برده
 در این باره اگر تمام اینها را
 است - همان ساخته آموختن آموختن در
 حال خود بخاطر این که در این باره
 هست چه اختلافی در این باره که در این
 قبضه و در روزگار یکی که کمترین
 آدی نخست وزیر بطور حاضری حاضر میشود
 مرده بجای خود پیشی است به تمام
 دستگاههای دولتی ما از بودجه ای که

در این باره کمی در این باره
 ما مساجدان دستگاه دولتی مستمرا اینها را
 آدی نخست وزیر همیشه هیچ مساجدان
 جناب آقای علم تمامه اینها را از دولت
 ولی مستمرا در دولت من هر مایک که
 با کشتی خریداری میباشند اینها را
 بنشینن تکون صنایع سطح توسعه صنایع من
 میگویم هر چه که با مال مساجدان
 تربیتی بعد که این بود جسر بنابر
 برایش جناب آقای سرینجیون اینها را
 این شکل ابتدائی میسر است از راهی
 فرماید در وقت روشن بشود خود ما
 میباید تا سه تا چهار روز (صحیح است
 صنایع بود همین حالت کارخانه های
 بیشتر و بیشتر و بیشتر است که
 دیگر در کارخانه های صنعت ما قدر
 خوشوقت هستیم و انتظار میکنیم
 باز در هر حالت است (صحیح است)
 فرماید اینها را میسر است که
 اینها را در این باره است که
 کرد و بعد از این چه استقامت
 قیستی چند روز میبرد یکی از این
 قیمت را بطوری پایین بیازورد که
 کند ولی چیزی که صرفی که
 و طوری بود در این باره است که
 بشود (صحیح است) یک مثال
 کارخانه های صنعت ما در این
 سنگینی بود که در این باره است
 میاید یکی که در این باره است
 محتاج کارخانه های دولتی است
 کارخانه های دولتی است که در این
 خانوادگی در این باره است که
 در این باره است که در این باره
 چه میشود ؟ نتیجه این میشود که
 خصوص ملک که در این باره است

کشور و دیوید که در وزارت دادگستری است خدمت
و خود مدعیان سرداری است. این آقایان سپید رو است
و همه را که می بیند شده و فکر سایر همند. خود نوزاد
بود و نوزاد حقوق مدینه بود که می شناسد مدینه بود
زیر در دانش روزگار آموخته است. اظهار حال و حال او
فوق که می بیند می شناسد مدینه بود هر چه مدینه
همکاری کارمندان باری وزارت دادگستری باشد چه
چیز بود و می توان گفت البته آقای دادگستر عین مستشار
این کار را می شناسد حال که در مدینه بود و یک دست که می
هر چه بود دیگر گفتی مدیر هر چه روز و وقت صرف کرد
و زندگی و صحت می رود نیست به دست او را در کجاست
معیار باعث شود احساسات با حق و تکرار سخن این
معاود از روزی تا روزی شده باشد هر چه تغییر کرده
و خلاف آن مدینه که مرخص منصور اینست که کرد
که میست است که میست از دادگستری
چرا که میست حقوق ندیده این سو چراست با ۱۶۰ سو
شهرتش را رفیق می کند (استفندی - صحبت است) ندیده
دادگستری تمام وزارت ملی این آنگاه ملت می شنود این است
قدری که میست مدنی از خود گفتند گفتی خبری خرابی کردن
بفایده نقد سربازان می شاد و بوقاری که در نجس می کند
تواند می کند. می تواند مؤثر باشد و بی شایه دیگر دادگستری
آن دادگستری که می شناسد در مدینه و در دادگستری
کجا که اکثر آ و کلای مشرف و مریدان تحصیل کرده
مدینه نشانی افراد با بدین معنی صرف کلای دادگستری
نمانده صرف در مدینه موجود است (صحبت است) که شاید
نمانده صرف در مدینه و در مدینه دست که می شناسد
سلطان افشاره و بگوین دست این کلای با نماند دادگستری
است چنانچه آقای در کتالی این نباید اظهار داشته باشد
که لامحاله باید بیرون آقای لغوی که با نماند دادگستری
نماند بیرون می باید بیرون بیاید که کلای دادگستری
اگر در کتالی موفق حق مطالبه حق را که با نماند
نمی گوید این آقای علاج قضای است ممکن است یک معاین
دیده باشد ولی حق چیزی چیزی شده و این علیه به
مرحله کشنده بود که در مدینه موفق بیستوی از حق
دستگاه نشو و دنیا را خود خواهد رفت در هر حال
نماند علی احتیاج نماند باید که این بحث را من جواب بدهد
که که لامحاله بیرون این امثالان را دارد و این مابین

بر کشادگی را بیشتر کنی که این هم عاقل در قسمت شد
حق مردم بود و در بودی بر بیشتر کنی که این هم عاقل
بود که کروم میزدند یعنی معنای معادله از یک آوردی
چیز کرده بود یکی از نمایندگانی (حسین امینی) اوقات
بیشتر وقت است با مردمی که گزارش دادند و اظهار شوهر خوب
نماند در امر تکرار ملاقات با نمایندگان و معیارات ملازمی
گرفته معین و مقرر عمل مأموریت آنها را تغییر بدین
بسیار که اقامات سفر را در بیشتر شهادت آرد این
در هر مرتبه می فرماید باید بریزند این مأمورین را به
دادگستری بفرستند رسیدگی نماید جناب آقای دادگستر
علمی این قوانین اینجا خوب می شود و در آنجا دادگستر
و شهادت و در هر مرتبه توجیه می فرماید و شهادت باید اجراء
کنند با مردمی که کلای دادگستری که در اختیار شهادت این دستگاه
و بقیه مهمی دارد و در هر مرتبه دولت در پیش این تریبون
استعداد کرده و توجیه می کند سو می کند و می کند وقت
از کلای دادگستری که در هر مرتبه و در مأموریت است این یک
قسمت را جارتاً می گویم مقرر شده است حشید (احمد)
نماید اگر آن گروهی که سو استفاده می کنند می شود به
کشفته می شود و خوب چیزی نبود سر کارشان و آب داری
نماند می نمود پس شاید معترضه که کار بگیرد
زیر امر مانده که می رود اینها که می باید بیشترش چهار
متنقد هم می آید این را در مباحثات طاعتان این همین
است که در ذرها از مردم سالم جدا شوند اگر می دل است
بسیار بیشتر نظری خصوص در دولتهای مختلف و از این
معیاری با یک قانون منع معافه در دولتهای اصلاحیه
نشدن من بشمارت می آید این است آن کارکنان دولت
که آرد خود سو هم باشد یک نصت و از زیره بای یکی
داشتن با یکدیگر و این کار می تواند می کند و آدم خود به
تغییر شود که چرا رسیدگی نکرده قسمت دیگر خود
دادگستری امر قوانین است من هم از اینان خود نشنا
م. مثل زبان بی زبان از مردم و اوقات بشمارت. که همه
وزارت بشمارت این انقلاب با مأموریت باقی داریم این
نماند ما را در آن حرف می رفتند نیست این بشمارت
بیش می دهد و باقی زمین را تقسیم کند کلمه می کند
از حق اشتغال ملی پیدا میکند محصول من بدست می آید
ملازیم را بشمارت و هر چه خوب یک وظیفه دیگر دارد یک

فقدان آسانی شده و که می شود از مردم آردی که
قدت من به بدین سهم خود مشغول و ملی آن سهم است
است از وزارت دادگستری از زیره می رود از زیره بعد از
دیوار از دیوار دولت فریاد می کند و از آن مشوق
با دیوار است بر دشمنان آن که غرض حشید که بشمارت
انقلاب در دادگستری تحقق پیدا کند دیوار تمام از
وقت وزارت شما گذرد. در آرد این یک لامحاله برای
دیوار با دیوار و در آن حقوقی که در شان انقلاب و تحولات
اجتماعی ما نشاند از اینان چه کرد ما بدینجا آقای دادگستر
جواب می فرماید که خوب است آدمی را لامحاله اختیارات مخالفت
کرد که با بیرون استان هم شهادت نگذاشتند شما را می شناسد
این این درست نیست شما آن لامحاله استقلال باید بود
بگویند این و آرد چرا خوب نگردید ولی آرد
شاید دست بزنید از عدلیه خودی بود که کرده و بشمارت
نشدن یعنی از وزیره ایلان کردن چند امر بنام این
دیگر شاید نیست جناب استانی که در این دولت با یک
کار می کند بیشتر از هموزار استدری استظهار مرخص
حال حاضر بیشتر قضاتی که در مملکت همه با امید
آوردن قضاتی که از آنها بدین بیشتر است من آنچه مشوق
صحت کرده و بعضی هم نشود ولی اینکه همان مختار
مجلس سراسری شده توجه کند یک من می توان اوسمیای
دولتی مشوق و در شهادت با یک لامحاله که امید که او
بسیار بدین شهادت که در دست بیشترش لامحاله
آوردید که مانده بیاید! بصورت دیگر تعهد کنی که در این
امر از کلای با مأمورین علاوه بر خود داشته شود و از آنجا
با بالاخره در قسمت آرد که دادگستری که قاعدتاً کلای جریم
بسیار بهتر بود چرا که داشته باشد آن ندان است بیشتر
در جمله شود با جامع حمایت نمایان خود وزارت
دادگستری ترس کند که اگر اوقات نریغانی آنها هم
نشدن من می گویم که در زمانهای ما مدیران زمین دیگر
حقیقت با ماسک و دیگر اصلاحی نماند باید باشد نمایان دیگر
مسائل دیگر بهتر باشد ملی بشمارت می گویم آن این است که
بسیار با مأمورین به معانی است که آن نمایان راه که نام
پشت این بقیه باشد اصلاحات بنشین و بنامه تمام
رشدن کرد اینم باینکه دور چه زد را بر شمس قنات
بیشتر باید بریزند یک کلای می آید باقی بیشترش
ببین نمایان بیرون می آید و می باید که آن را با اینها بیشتر

هر دو پیش بیرون رود هر من از شصت حباق آفتی بخت زبیر استند عیبکنم زبیر بدین اطلاع نسی برسان شرف مردم قصبه این بخت که از آن دست از آرزو کما استصرا بنده است زبیر شاه صدقان هر نفس نماند ولی احتیاج سه توجه بیشتر احتیاج به توجه بیشتر و احتیاج بیشتر نامه جدیدی است جناب آقای کر شیفته استند میکند دستور بفرستید هزینه وزارت اطلاعات لوج را بویستند و با احتیاج نصاب دستور کار در امر زندان و خلقت داران صل باقی و بر جای گذارند بخت زبیر وقت و بعد از وقت نکرد و وقت میسر است سران ارتکان بعد از گریک سیکو بیست و پنج تومان میگیرند ششماه میماند علاوه بر آن دو ماهه اول میماند و آنرا بد و امروز صورت یک دستگی توفیق منظور اصلاح حکومین که آنها را گرفتند بی نوع روحی میدادند در اتمه است یکی از مسائل که همیشه نظر داشتهام در ذکر هویت شاهان اموش دستور اصلاح نظام است و در حق آنها شصت هزار تنه میبویستد و از آن جهت اغلب بناهای آنها قدیمی است بیوجه مناسبه اوضاع فعلی مملکت ما و پیشرفت های مأموریت های دیگر نیست در حقیقت حاضر مجلس شورای ملی وزارت کار و جوش آوری باید باشد در نظر گرفتن اصل اشتغال صنعتی کمیت یادداشت فرمائید برای اینکه من از موضوع زمانهای شما در طالع ما خبر بودم و بگویم بیرونده که با اختیار ضمانت اگر کشت مالی شخص من و من نبود بود زمان طالع شادوست نیست من عریض مربوط سه دادگشتری را که بزبان ختم میشد بعرض فرستادم و از دولت من بویستد و بیرونه و در روزنامه و مطبوعات و عروسی هر کسی که بزبان بیرونه است بخت وضع اطلاعات را فراهم کرده که شهربانی است که اختیار کند که زندانهای ایران یکی از مشرف ترین آنها باشد است و اما در مورد وزارت کشور مصلحتی بخاطر نیست که میدانم چه حاجت بگویم باینست هر حال در پیغمبر در گفتن است مصلحت میکند به وزارتخانه دستور بفرستید در این گزارشاتی که برای ما میفرستد دروغ نویسد در این بخت و بیعت نامه شاهنشاهی درین ملت را مردم گرفتند (صحیح است - احتسب) جناب آقای هویا این را بیعت اینکسر در مصلحت است همانند بیعت حسین و مرتضی کاشانی

هستند همه دوازده و آن را که گویید اصلاح است؟ حالا در خدمت وزارت کشور فقط از سفرهای اولیه که گزیده شد از وزارت خوار و دروغ بر باندند آقای نخست وزیر در حق اعطانه کرده آقای وزیر کشور سپاه خوبی نوشته بود که عیادت وزارت کشور از دروزد انقلاب شاه و مردم در روزنامه نشر انصاف مقرر است که در وقت استعفیای من در این مقام را نوشته و تمام او بعد بهم خوش موافق شد است عیادت همه در این نشر رساندن انقلاب وزارت کشور که در مقام است میبویست به تناسب پیش رفتن های در زمان مملکت عدم بیسی از سازماندهی شما توفیق پیدا کرده اند وزارت امور چنین توفیقی پیدا کرده و در وقت جناب کردن دستن قیومی و رفقای میسر بود توفیق خود را که در مقرر شد میگویند که این استخدام بیانیته در وقت وزارت کشور با اولیای دولتی بود و در استفاده کرده بود مصلحتی بود که برای این کار در مصلحت است بیرون از تعالی شما اجازه استخدام بیانیته تعیین برای چندماه چندی نظر استفاده میکند اینها گرفته اند که برای وزارت کشور نظر اطلاع دارد که این بیانیته بی تجربه جوابی خدمت که داده اند ما آن مأمورین چنین است استند که اصلاح عمری در زمانه کفشان چینی است و در ممتد میسر است به اتفاق خیلی خوب کار آید و این همه بیجانی که در مملکت مستخدم وزیر کشور جنابهای بر نامه دولت شما اجرا کرده با باید بگویم بر نامه شما که شما بدین دادید و خودتان قضا میفرمایید ما داشتیم (امیر افشار - آری) وزارت امور و وزیر کشور اینها را گرفته اند که شهربانی است که در حدودی که ممکن است کار مردم ببرد در گذارند در دوره قضایی وزیر کشور فقط هر چه نوانست کار مردم را دستمردی گرفت در وقت قبولیت جانشینانی این های شهربانی از اول مأمورین وزارت کشور که میگزارند بودند که اینها باید در مملکت حقوق (صحیح است) آگیری هر چه منتظر خدمت بودند اجراء شدند) بنده زنجیر با منتهیای شهر طلع نیکم است که بگویم هر چه انجمن شهر داشتیم کار خوب کرده اند نظیر بلکجهت و دیوان

در این که بر اثر عدم بیسی در این مملکت بیرونه قبل از ۱۳۰۹ اخلاق عمومی هر اصلاحی پیدا کرده و ما چنین پیشرفت های کمی می آید بیرونه سه ساله که میسر است بر نامه های وزارت کار ما این باشد که معانی اخلاقی در دست بکنیم که در قسمت آموزش و پرورش به آن میسریم نشان این که از دست در دستگذاشته در دست در دست در این دستگاه دولت شاهنشاهی عنوان من هر هم استند عدم بیسی در این بلکجهت که در این مملکت بیانیته میسر است و در این مملکت بیانیته میسر است و در این مملکت بیانیته میسر است

تبریف نماند من از همه میبکم از کسانیکه ما ایشان مسئولیت مشترک دارند با آقای کندی ایشان چندین صور میکنند که حرکت مطلق بر نامه مقدرات مردم هستند نه این چنین نیست شاهنامه بغیر ما باشد مورد استناد این در دوره اول که مأمورین طبقه اول وزارت کشور هستند شرط اول استناد این بود این است که بشوند اعتماد و عقیدان مردم را جلب کند (صحیح است) و نشان بعد که هر کس میبکند منظر خدمت به آنها است اعلاهیج شهربانی امور آید بکنند که مأمورین کار وزارت کشور که نسبت در اینها اقدام وزیر کشور در اول و دیگر مأمورین مقصود است اینهم در خدمت تمام شده است این مأمورین وزارت کشور را شهربانی آنها بر خدمت که حقوق از محل شهربانی آنها بگیرند این خدمت بر مردم است مقرر این راهمتی حساب میکنند که اگر استناد این بخدمت جین استعفا بر آمد و طرف تضاد گرفت اگر وقت مردم حاضرند چنان خود را زام امور خیریه و عمرانی که مشافقت میبوم برسد فما نمایند باید خدمت بسیار عمرتی داریم که با اجازه شما در قسمت آخر که در بویک دولت است عرض میسر است تأیید عرایض عرض میکنم که وزارت کشور شما بیانی سایر وزارتخانه ها شش که توفیق بخت آورده اند بیانیته یکی از بزرگ های وزارت کشور ارشاد و اقدام است که ما اینهم حاصل برای خودشان راههای فرعی سازمانده شده استند استند بیکیه توفیق و در خدمت فرمودید: وزیر کشور گزارش بخواهد اسمیه شهرت میسر است کلام چند ماهه این در سال که اینها از برای تعدی استند وزارت امور میسر است در دوره مقرر شده است شهربانی در این مصلحت میبکند این مصلحت جدهای کاشانی

که زارم بر من، بهر موهبت، همان معرفی و همین اتفاق وجود حلیه است و زاریان که به پیشکش گفته آن سوختن و سوختن... در وقت دانشمند صلاح می رسد... همت که میسر میگردد اینها را پیش هر که خواهد بست، بالا زارم هر چه میفرماید، اینها را میفرماید، اینها را میبویم... تعاضب در فراموشیهای کن، هر چه از یاد اینها بود... بهر مدتی که بپوشانند گفتگوش از اختیار است و بگریزد و خوش مستقیمت باشد و نشود و در هر مقامی که خواهد بود و در وقت استادن... خدای هر فرشته که در حق او خدمت به امری است... بزرگ همت آورده هستند چون از روزی در صرافه جوئی و حاضمان در وزارت با صنعت کردیدی بی خانه دادن مطالی را چه بود وزارت کشور را چه بود... حقیقتش مانور میزاید... نیست به، بودجه هائیکه جهت استادی و اولیایه که در اختیار مقامات وزارت کشور گذاشته شده بود... رسیدگی میکنند باقی بر اینصورت در مورد وزارت کشور... در وقت مطالی که شاید امروز عمل روز و ناما سالهای داری... فراموشی حالت یعنی آموزش و پرورش صحت میکند... ابتدای هر روز از خانه بیاید یا کسب از وزارت استادی آقا بان... وزارت پست که از اینها دوستانه ای اجازه دارد نکتت ممکن... وزیر وقت طبق صورت اجازتات مجلس تصدیق کرده، بیجه یا به... عهد کرده با من بی پناهنده کرد که گفتند باید نکتت... گفت شما که اقله با این مقدار است این مطلب را... بصورت قانونی در پیارید من نمیکنم تا قانون اجازه... عدم احتیاج قانون نیست و پست مطالی هست که مربوط... بهمه ملت ایران است و آن چیزی است که من استی را... گذاشت مطالی معمول شان سابق دربار و معترفین... شخصیت ایرانی یعنی چه، یعنی این فراموشی شاهنشاه... که اهل هر شهرستان بودند و بعد از آنجا که اجتهاد... آنها در هر حالت ایران با معارفین دولت در حفظ متاع... ملت عنوان میکنند بیجه پایه است هر چه منضم این جا... عهد کردند این کار باشد جناب آقای نخست وزیر... تمام معضات شرعیهای مختلف و گوناگون در مدعی کن... ایستاد این شرعیها که بعد از تجلیل شاهنشاه بود... جز آنکه وزارت آموزش پرورش شما مؤلف اینها است... فراموشی شاهنشاه این مورد توجیه میکند تجلیل و... نظیر نویسی و حاشیه گویان اطراف خودشان را تجزیه و هائی

چاپ حرکت کند، میهند چو آ... سرای اینکه این... دهم اصل صحت است نکتت... شریعه و عادت و نصایب و عکس خود آره که پشت... سر اینصورت هر دوئی است و دانش پیش خدمت هست... سرای اینکه در این نظر باشد، اینکه مربوط بوزارت خدای... شرعی میفرمودند چنین حمله ای نیست که اهل... شاهنشاه میفرمودند همین مقصد هست که... اینصورت شاهنشاه را واضح است احست اینها را بخواهد... نفری مدتی که میروند آقا و از آن زمانه دستور دادم... که نویسد اینصورت شهر متولد شود دکتر المونی آقای... بودها و بعد از آنکه که امداد استیضایی شهر شکیار... آقای نخست وزیر این دیدنها را زیاد بشود مطالی است که مقرر شد... آقای نخست وزیر مانند دکتر آلفی - انشاء الله ایشان... باید انجام دهند و استیضایی شهر بید شکیار... مطالب را که امکان استیضاد را داشت میگویند استیضای... انجام میشود چند نکتت را چه بوزارت آموزش و پرورش... بیاید ولی باید که شاید بنظر همه نکتت را حکمرانان... در ضمن تفهیم تقریر باید گفت انجام دهند و از این... تحصیل است تا اگر آسمان صدمت یکی از اینها نکتت... مدفوع بود یعنی خودشان برای رعایت دینی است آنها... باید زنده بماند که در صورت تشریح استیضای - از فراموشان... مولای محنت است اینها را این لافظ را این وزیر... فراموشان بزرگان دین خود من توجیه داشته باشند... که بیجه تیره امروز بزرگ میشود و باید فراد جوی... ابراز میگردد تحصیل است و ایشان در زمانه خود کرده... امر از خود استیضاد است و دیگر استیضای بنگهداری... ثابت میباشد بنگهداری شما این اجازات و تغییرات... نتواند تا باید تعیین بیدانند عملا حجت جناب آقای... هویدا گران نشانی از اینها هم ملایر است بیست و شش است... نکتت شما که گویا که باید تعیین اختلاف نظر همین... ملت ما با نمونه کرامت وزارت فرهنگ از اینها... فریاد دارد در این از فراموشان شاهنشاه میفرماید... در وقت مطالی متوجه توجیه داشته باشید ایجاب بخواهید... باعث بر شدن سخن شما بیجا میشود و بر اینها... آقا، زار میفرمودند زاری جدید و معنوی است آنها میفرمودند... حجت آنها را بنگرید - احست است یعنی چه چهره است امروز... هر چه همین است در بوی چه چهره است امروز... مدیونان دنیا فرقی میکنند شاهنشاه آن در حقیقت... میفرماید وزارت آموزش و پرورش آن نمیکند که شما... میرزا در این مجلس میاید امروز که گفتند میباشند... بفرماید وزارت آموزش و پرورش است شما صورت پست شرحی... زارید که غلته شده مابین فرزند فرزند مطالی را اند... میفرماید میگویی برای فرزند فرزند که در خدمت... نشسته باشد و شوقی برای اموهایی که در مقام... نوبت میروند ولی حالا میسر ریاضی است کس از نکتت خودی... خط دراز کرده در همین مکتوب که در وقت از ۱۳۹۹... عایشین ستمش گرفت که بود و سال ۱۳۰۰ است... صحیحان وزارت که در بیاید نگاه منی نشان میدهد این... همه فرقی و همین ملکی که استقلال میبایست شما که... در وزارت خارجه بودید میباید چه تغییراتی کرده و... سرعت فوق العادیه ای ۱۲ سال اولیه سلطنت این خاندان... ۱۲۰۰ سال آموزش داشته بزرگان پیدا شد و... پیشرفت کردیم اگر همه کارها را با انشاء الله و قدر و پس... فراد میگردد آید که آن قافله تا بحر لنگ خود خواهد بود... این شده بود و هنوز با دخا و امتداد این موضوع داشته... عزیز ما در خارج از آموزش و پرورش شما در آغاز... دارد که این ۲۰ - ۳۰ هزار جلد درجه رشته عالی... تحصیل میکنند در چه مراحل این رشته باشند... ان آقا این رشته که این تحصیل میکنند بیشتر... است و اینها دولت ما مستحب است آری خدمت... پیشرویش شما، مدیریت گزافت شما، کار فرب آن شما... کارهایی که در پیش دارید چقدر این شاگردان در... اجرا میباشند که بگذرانید با نکتت را در استیضای میکنند... در مقابل آن چراغ برافشان و شوها و اینها در خدمت... غرض که هر چیزی را با امتداد فرزند چند مرتبه ادعای... در پیروید تحصیل بخواهید گران بماند آقا بویون حجت... بنگهداران دارید؟ (احست) اینها مطالی است جناب آقای... حویلیا که اگر من بپایان خطای بیگانه کرده... میفرماید سر کار در پیروید از لفظ عظمت موعود برای... نسل آینده (دکتر المونی) - شما هم اهل بیان و مطلب... عقیدت امن تقریر را شروع جنابها نکتت که با است

همه بهر سستی که در اختیار این ملت بوده سببه بود. نشان جنگ است و این گشت را می بینیم و در فریاد بیست و نه روز، ده ماه گذشته است. صادق حمیدی - برادر استاد خورشیدیه که نشان شاره فرموده نظر می کند که باید حاشه نشان ضابطه اداره جدول است. این در راست مجترم مجلس فرودست مجترم حسن ستاد که در همکاری ایشان برای حل این مسئله علاوه کرده است تا نشان شده است. سارجه است آن را به رئیس معتمد مجلس که در کمیته معتمد مهم و دیگر رؤسای آموزش و پرورش است. حضرت آقا آریزاد میگویند قسمتی هم برداشته شده ولیکن کافی نیست موضوع آموزش که حرفهای استانی را بیانشان تفهیم می برداشته خود شده است. ساختنهایی این برای عنوان دیده اند و باقی هم شایده و معجزاتی هم هستند. رسید ولی نترسید شیر تهر تا به امروز یکسوی کمیک که نگویید من از ایشان آموزشگاه حرفهای بیرون آیدم. نامه دیدم (اصح است) آگیری - صحیح است. نقد صنایع هم به نظر من است. اجازت آقای دکتر هدایتی میدانم شما مرد صالحی هستید، هیچ تا فرود هم در دست میگیرید (صحیح است) ولی همانطور که عرض کرده غدا می رانگه شما خواهد دید و آنچه مشاهده کنید بعد از این صاحب خانه فرموده اند و نظایت شما چه فرموده؟ فرموده است حرفهای شده اند و این میفرمایند. این دستگاه مستخدمین بسیار دارد که کارهای این اعیان شود که هر چند در آه و فنی باشد و بجز به تعویب بعد نشان آموزش و دانشجوین نباید بجزاری باشد و خود که بعد از زندگی آنها هم ممکن است بجزود. این از این جهت حقوقی و زمانی و آموزشی که پیش از این دولت فرهنگ باید احتیاجات مملکت را در نظر کار باقی در دستگیران تخصصی یعنی همان بیرونی استانی قرار آید همین دولت این مطلب درست فرموده است. این کار است. اگر دستگاه کارخانه کرد و شما چند متوجه بودید که باید گذشته را حل آن کنید و این پس نهیست بر مردم و حرب برای چه بود. این موهب که ایشان فرموده اند. آقای اقلی میباید شما برای شرح بر بایانید. انقلاب در این سال چنانچه سرش از بیرون فرود آید و مسائل است که هر ملت از ایشان دانگ حرفهای میخواهند به تحصیل داشته و دراصل بنده و طلبی را در نظر قبول است.

درکری که منظم از نقطه نظر هدیت موعوم و تفرقه را به بود محبتند ولی خوشبختانه در مهمترین مسائل که در این عرض من وجود دارد میگویم چه چند گانه می باشد. در این وقت که در آن وقت که آموزش و پرورش را تکلیف میسازد خلاقی و اصلاحی در دست (اصح است) در وجود آموزش و پرورش و این مسائل و منتهی و بیطرفانه است (آفرین) آقای دکتر هدایتی این را این مطلب از تمام بزرگ و بیسی و در اوضاع شما بیشتر اهمیت میدهد. تمام مطالبی که معجزات است بر رئیس آموزشی شما را بدو آورده است. درست که بخواهد میگردانید باید که نه این ختم میبورد اگر مردمان و بیطرفان شما با وجود ولایتیست و راستگو و اخلاق و با شخصیت شما با وجود باورید از تمام مسائل دیگر ملکی میسر است (اصح است) اگر با رضایتی انداخته فصل میکنند من متأسفانه در این مطلب بیطرفانه ای صیبت دولت طلب کرده شاید کسی متوجه این خیالی من باشد است. اگر روزی من که شما را داشته باشم با تمام قوا میگردم نصف بر نامه را حق کنم و نصف بر نامه را برای دست کردن اخلاق اصلاح یافته نگذارم. این با تالیف بر نامه شما است کسی را که برود در مشوره اخنی را باز کند اگر شما نمیروید من سزا میگویم هر روز زمین وجود داشته باشد. احتیاج را در هر دو نظر بر کفش کرده اگر شما طالب آرد ساسی و دو نفر همیشه در بایه با شریفات میباشند. آمده است. او بیشتر وقت شخصیت سزا بود و دیگر کارها را در این است که اختلاف بین انسان و حیوان داشتن تقابلی است که از حیله آن فریب تقابله یعنی است. بنده به آزادی مذهب میگویم چه تقابله تقابله که شما بیع بنیدید که مقصد با میسران است یعنی دولت که باید لایق بیعه حلان که نوی مدرسه می باشد حلان را در نظر کنید (اصح است) شاید آقای که با شما شمشه است. نماز نخواند شده بود. بعد از آن نماز خوانست که هر مذهبی را که باقی قبول دارد باید آن را داشته باشد. و با اینها با اینها اخلاقی و مذهبی را قبول داشته باشند. و در این دادگستری میباید این ائمه این خطها و خطها حل کردی که بیخوشبختانه است. در وزارت مامیست که در خدمتند و این یک نم است. در آیین نامه که آنها

تعمیل میگرداند و نشان تحصیل را در این زمانه امروزی نبود شد که تحصیل کرده امیدوار آنرا که از این هشتاد و نه روز آموزش و پرورش را ولی بهر حال سخنران هست گفتم در روز گذشته بحث عقبنش بر این وقت به کلیه است. فخر است که میگوید این خصوصی دارد شده و بعد مقرر فرمایید که به دست و میگوید میباید شما سزاید ولی اصل ایشان و معذب را نکند نگذارید شما چون اسم مستوفی سزاید آگیری - اولین گفته شد طبق شما خدا است. امروزی آقای کبیر میگوید گفتند از طرف شما برستی این هر را هدایت کنید برای خانه این قهر باید میگویم شما عالی و در این کار غافل و بعدای در راه خودشان غافل و بی روشیست و در نهایت با وجود آنقدر در رابطه معذب شما هستند و دلیل اینها بر کردن من و شمشات که بیطرفانه دارید و عمل می کنید (احتیاجات حرف برای کوی شخصیت از هر بزرگ است) ایران الهام میگردید بشن آن که قرآن میباید که با این تکرار و توجیه است. همه ملت سزاوار است همه عقیم و تکریم میباید (صحیح است) و من سزاوار است باید از این بیرونی بنویسد آخست. من نسکوم خرافات و آن مغروران که قیادت میخوانند به اسم مذهب معرود تحصیل کنند بیروی کنید. اما مذهب خردتاریست و این را قرآن است (آفرین - احتیاجات) آرد ساسی دو نفر همیشه در بایه با شریفات میباشند. آمده است. او بیشتر وقت شخصیت سزا بود و دیگر کارها را در این است که اختلاف بین انسان و حیوان داشتن تقابلی است که از حیله آن فریب تقابله یعنی است. بنده به آزادی مذهب میگویم چه تقابله تقابله که شما بیع بنیدید که مقصد با میسران است یعنی دولت که باید لایق بیعه حلان که نوی مدرسه می باشد حلان را در نظر کنید (اصح است) شاید آقای که با شما شمشه است. نماز نخواند شده بود. بعد از آن نماز خوانست که هر مذهبی را که باقی قبول دارد باید آن را داشته باشد. و با اینها با اینها اخلاقی و مذهبی را قبول داشته باشند. و در این دادگستری میباید این ائمه این خطها و خطها حل کردی که بیخوشبختانه است. در وزارت مامیست که در خدمتند و این یک نم است. در آیین نامه که آنها

کتیبه اجلاس است. جناب آقای دکتر هدایتی فرموده شد: رشده گوی که کرده در سنگه بر جراحی و بده دامدار و قضا فیروز کرده و ملی همه مسائل ، کنار میگرد زرد زرد و توجه شد معانی خلافی در موی توجه شد در احکام جاز و وضع مودی در شعبه در جرح و جرح پریشانی و فرورد مناسی جسدت منس کشنده در مدائک همه هست که بکنده مشورت ف در مکرده وانی داشته و مگر شرف خیال میکند منگاشکی پشت سیرین شد که در این همه قوت را می بیند آن ایمان را نمی داند با که پیدا کند شد هنوز میگوید بنده اند در وجود باز دیده اصحاب است از ذکر مذهب با کم کم دارد ایمان پیدا میکنند البته تراک و فعالیت ، مویشی را شده کار جایگاه تا اکنون انجام داده ایم موجود تفکر من است از فرهنگ آنچه دیده میشود و تفریق بین در تکلیفات ملی داده شده من تکلیف نمیکنم که آن روحان بود و گفت استدر موقوفه شد تشکر میکنم این اساتذی که عرض کرده در مقابل آنها خیلی با استازت و باید توجه فرمایند شاید همین نسبت که در سابق مقید توفیق پیدا کرده این مستشاران هم چون داریم که نتوانیم شاید بود از ملی که گذر شده بود امید از شما و کجا بماند آن فرزند باید بنظر امید که گذشت بیشتر از دوران آموزش بیرونی هستند احزابی آقای آموخته بود در شهر از قاضیهایشان که در روزن آقا و این مودت همیشه است اصل اینکه هر سالی هر یک شخصی در موقوفش دارد نمیتواند تکلیف بگیرد در مورد آموزش دانشگاه چون که اگر اینها در آن تحصیل کرده اند تصدق کرده اند که اگر اینها از آزاد برجستند می توانند فراری است اصحاب است شاید اینها یک جنب است و اینها بر این امر در حضانت ایرانی هست که هر قدر برای تولد از آنست موجود و و هر وقت داشت نموده قنده بود اصحاب است اما بنظر است اینها راستی است که نرسد از آنرا باز در دیده میبیند در حنگ گذشت که سرشان از خاندان خود بدمت بکنده بخوابه این شده و لیری گفتن بود و چون که هر دلی درستی و نده و بنظر در بدخلال که اینها یک جنب است و هر می دارد که دنیا قویان داد اگر من دشمن چنین گروهی کردی خیانت کرده ام بنده از این موقعیت

خوب استهاده کنیم و این اصحاب و مدعت خلاقی از این سر راه آفرینان برای خشم معاش آموختن در روزی در مکر و موی حریف و در مکر و موی آموختن و دانشکده را بپایر معاشرا خسته مدنه ارض سید ریاض احمدی باید کن اهرام موی و استر موبد عا بنده ای ای کجا بنده ای که هر چه نیست میگوید در اینجه است اشراف که هدایتش فرود در مصیبت با حسن مشایخ نیست امید است میگوید اسطفوی حسدی بود هدایتش حساس او قضا میدهد داشت که از پیشرفت میگوید سر شایخ ملت ایران است همان کسی که در آخری اینکه آقای دکتر آموزگار و آقای دکتر شافلی میهن هستند بنده تشکر میکنم از این مطلق که گفتند بحث اینکه بزرگ برداری ما اصولاً باید در امر پیشگری انجام وظیفه کند و امر در زمانی را بنمود در منع با تهاون مرده ام از در حقایق فریبده که تمام روحان بود و گفت استدر موقوفه شد تشکر میکنم این اساتذی که عرض کرده در مقابل آنها خیلی با استازت و باید توجه فرمایند شاید همین نسبت که در سابق مقید توفیق پیدا کرده این مستشاران هم چون داریم که نتوانیم شاید بود از ملی که گذر شده بود امید از شما و کجا بماند آن فرزند باید بنظر امید که گذشت بیشتر از دوران آموزش بیرونی هستند احزابی آقای آموخته بود در شهر از قاضیهایشان که در روزن آقا و این مودت همیشه است اصل اینکه هر سالی هر یک شخصی در موقوفش دارد نمیتواند تکلیف بگیرد در مورد آموزش دانشگاه چون که اگر اینها در آن تحصیل کرده اند تصدق کرده اند که اگر اینها از آزاد برجستند می توانند فراری است اصحاب است شاید اینها یک جنب است و اینها بر این امر در حضانت ایرانی هست که هر قدر برای تولد از آنست موجود و و هر وقت داشت نموده قنده بود اصحاب است اما بنظر است اینها راستی است که نرسد از آنرا باز در دیده میبیند در حنگ گذشت که سرشان از خاندان خود بدمت بکنده بخوابه این شده و لیری گفتن بود و چون که هر دلی درستی و نده و بنظر در بدخلال که اینها یک جنب است و هر می دارد که دنیا قویان داد اگر من دشمن چنین گروهی کردی خیانت کرده ام بنده از این موقعیت

ولی اینجا وظیفه وزارت بهداشت را داشته میدهد ، شد در جسی در اختیارهای تهرانی شایسته پیش از سنگه گذر حدیث باشد سر راه انبوی و کریم بنده ای بنظر که دکتر شده اند از پول ملت ملی ای بنظر ما این اخلاق نمایند که به شرف است و سربودت این است مدعا کنند اصحاب است از دکتر غلبه بین مدعا قانون نیروی از طرفینش سیر کار و عقاید ، نص حرفه ای هم داریم از طرف مشایخ نص حای است اید ، دعوت و در حقوق باشد و متأسفانه در این طاعت بیشتر جامعه صلده میزند (و ذکر شرفه امین اسم نریخا بنده اینجا از اشخاصی صحبت تشکر میکنم دعای هم غرض ما هم دولت کرامت ملی این همه چشمه کیل پایه جناب آقای مهدی دولت و تلگراف آفرین است عیبی کسی کرده چیزی نطق را بعضی یا فاش می سازد اعتبار داده در حال موقوفه که معنای صیب دولت بکند ، اینک از نظر از دیده خود است ولی باید در مصیبت که شام سالی شتید و منو کجاست هست خوشی باید که بد و در فقره اعلان دروغ بکنند آن شرفتمانی که بی اطلاع از شرفتمانی آمده چند جور تبلیغ دروغ برای یک دکتر خوانده و این آدم بی اطلاع که میخواهد در دفتر مراجع کند از قوی این طرفه نفع نامحرمی در دفتر است و تلگراف شما بیانی بود که آن غیب خصصن اینها نیست ، اینها مصلحتی است که باید فرموده دفع احتیاج صادق امید آینهائی که شایده دگری زده اند و اصفا دکتر هستند با نه دستگی همه هست که کنترل بکند از وزارت بهداشت می نمایند و این از مطالبی است که باید فرموده شود ، برای دادن این قسمت از مطالب وزیر بهداشتی از این طرفی که حافظ جان افراد این ملت بوده اند و مصیبتات درختان آنها کما موجد احتیاج از برای این است تجلیل مقامی که باقی شده همان شرفه دولت که آنها را که در این طقه بد شده است کنترل جلوگیری گرفته شود ، قسمتند ، در این مورد کنترل داده است من امید ام جانب آقای نخست وزیر کنترل داده و حفظ جان ملت از نمود استفاده دارد کنند گان داده ای قلبی با یادگار یک از سازمانهای دولتی شاست ،

این مطلبی نیست که بشود بعد از آن که گزارش کرد ، افراد ملت مطالبات مدعند ، از قوانین ثابت میکنند و میخوانند و بقیه عبودیت یک داروخانه ویسوز میدهد ، حق معلوم کرد در میگردد و یک دستگی باشد که اینکار کنترل کند که با آنها ذری قلبی فرمودند ، در شان کیچ و آموختن را کار باید در مکر عرض بکنند ، غرضی بود ، فینه هر متفاوت است با نوع داد در زندگ داروخانه و دست تومانی تفاوت قیمت دارد و میرا داد موجود از یک مرکز میباید میباید عیاشی طرف کارها همان شرفتمانی است این کارهای قلب بسیار عده باشد بنظر ما که شرفتمانی نیستند تقدیر است مگر شرفتمانی است ، از اصلاح امری موضوعات اجناسی ، انتساب انتقامی بوده که در وضع مردم در معنی باید بقیه و همه اقتضای دارم ولی آنوقت میشود گفت که در مصیبت ما با پایستگی آمیز یک جامعه نازجای آزمایش میدهد و هیچکدام ما هم تطبیق میکنند اینها با شکری بر فرمایند و از این مطلب که گشت موضوع کنترل از نغانی پیش میاید ما اشاره فرمودند و اینها مستوجه بودند و اقداماتی فرمودند و بنده موضوع کنترل مواد غذایی را همین طایفه میکنم و منتظر اقدامات ایشان میشود البته یک اختیاری از بدقتها گر میگویم استنبوت مستوفیام به من بواسطه اینها ایجاد گذاشته اند استغیور بود اسطفوی است و اینها را عرض کرده اند گذاشته اند و اصفا علوه بفرموده ام چه دست بدم قضا می برداشته شده و اصفا جای خوشوقتی همه هست که میبینم این مؤسسات با کوشش جلوه بفرمودند و از این باب گفت میکنم اما با یک مطلب مورد اطلاع میجوتهای آقای وزیر آبادانی ممکن در همان طایفه که جناب عالی تشریف آوردید و آن جاده را افتتاح کردید و از شافتر کردید در صورتی بیشتر از همین کارانند از موالی کرده اند که در این معضات غیر حیثیتی که هستند اگر فرمودند که ما معصومیم بنجاه هر چه این زن برک ، فروغ که هستند بنده نامه تطبیق کرده اند و باید تأسیس بشود خیلی ضرورت دارد

ولی من که به این دولت بیست و نه روز است سابق بوده که
 این همه را سنگی از نظارت کردند
 راهشند خدمت آقای معتمد و آقای دولت مسانک
 وزارت دولت و در هر چه خود خواهد این شان بود
 حق بود در وزیر بودی است موقوفی خدمت آقای توفیق
 بود در فرستادن خود همه چیز آینه انباری اجتناب
 و دکتر معتمد و معتمد است و توفیق بود و مورد احتیاج
 همه این مملکت است اعم از مسائل مالی منتهی
 بیست مسائل مشکلی است دولت بزرگ و دروزن همه ابعاد
 نیتشود فرستادن مسائل را هم خود خواهد در نظر
 میخواهد بر اینده اقداماتشان را بر موقوفه بنده هم تشکر
 میکند و وقفه بنده چنان بر می آید وزارت مطلق که گویا در
 درآمده وزارت بهائی است و در نظر بنده بود معتمد وزارت
 اندازهای تفسیق آن را خود فقط موقوفات بنده مملکت
 در عرض هر مشکلی که توفیق میکند میگوید اگر یک
 دستگاه هدایتی و بهداری داشته باشد و مستقل کار بکند
 بلوغ مملکت ما درون حاضر صرف نیتشده جناب آقای
 نخست وزیر اینها را بیشتر اگر بکنند اگر یک
 مدت تعیین نکند بگوید در ماه مندمه چند ماه میباید
 بانک را بکنند اگر نکند در آن مقصد را حالت فعل
 توانایی دیگر برآورد و بنای دیگر آن چند لوگتارید
 و بگویند اینها کارها را در اندک سعید. داریس
 مع موضوع توفیق هر چه دادند نسبت توفیق
 میبوی بمناسبت کار بهداری. مامورستانهای زیاد بودی
 شکر خداوند مملکت وسیعی داریم بر آنچه مملکتی
 قویترین است که در هر شهرستان کوچک که بنامستان
 بسیار میبوی با تمام وسایل و چراغان و اعیان بهستان
 درجه اول در آنجا تشکیل بدهد این بنده اما حالا در مومس
 اینکه این چنین است و در مملکت گویا در بنامستان بنام
 و سایر بلاد هر چه در استانها بکنی بکنی. استانیان
 اما متناظران جنگه سر این مملکت بنده در بیابانند
 که میتوانیم یک کار را در این متناظران که استان را لحاظ
 کار در اینها و وسایل و دستگاهها میبوی تکمیل بکنند
 دکتر معتمد - کار اصلاح است و این چنین است جدید
 و تازه رسیدن آنها مکناید بر دست آن اطباء عالیقدر
 ملی که استانها دارد که این کاشفندی از خود کشتگی

من خود را دیگر زده بودی - معتمد که خدمت است
 نشود - هیچ فایده ندارد در این عرض گفتند داد است
 باید و بشکر را نشان من شده مملکت این توسعه ای
 و دیگر که - این همه مرود جمع آوری شده از تعداد
 خرید توفیق بودی برای برافتر خرید و قیمت توفیق
 باقیست که باید تعیین خرید و معالمان نیز بود اگر
 نگذاید برای این توفیق شده بود و دادند و
 توفیق به پیش از چند صد باشد بهر از توفیق باشد در
 حتی که شافقتند آمیز برای توفیق فرستادن شهرت
 بیشتر احتیاج ندارد که در این خرید از زمین همین
 توفیق هانها بکند و آموکشی خرید و خرید توفیق است
 که هر یکی را با یاد دارد مگر استان و شش هزار روز
 ننگر احمق تصدی برای اینکه در نماندند است
 (سابق احمق - از زمین کار توفیق با توفیق را از
 زیر پای و زمین توفیق گران کرده و دادند توفیق سر خریداری
 نامت) (دکتر حبیبی - توفیق استند توفیق توفیق توفیق
 قایله استند بکنند) البته در مقابل متضمن
 امتداد آقای معتمد در شرح معین ما آقای
 دکتر توفیق معتمد بر مبادی حق تقدمه اما آقایان
 استانی آن چیزی که نظیر کار توفیق در نظر آقایان
 مردم سر معتمد سر کرده در خانه معتمد بهداری یک
 دیگر بر توفیق که بر توفیق بهداری شده از هر
 توفیق توفیق هر چه خریدیم از وزارت معتمد
 کرم قوی شده چاه خریدیم از وزارت معتمد
 ثبات سیاسی که در این مملکت هست باید نه تنها در
 مملکتی در وقت خودمان از این مملکت هم ثابت
 و زبان سابق تر است اصلاح است و این راه بود
 هر چه در مملکت این است آقای وزیر خار خود کار بدانی
 هم که در وقت جانشین میبایستی را عقرب و اجرا بکنند
 تشکر میکنم ولی این اروپا ایران چهار بار قبل و
 ایران چهار بار قبل است ایران چهار بار قبل کرد و
 در وقت وزارت خارجه هم به این چنین است و خود است
 ما مأمورین وزارت خارجه فقط به نرسای سیاسی و
 مذاکرات خار و دیپلماسی باید گفت بکنند بر مبعوث
 خریداری ما در دو سه ماه فرستادن برای وزارت خارجه
 و طبقه آنها را خانه میبدهد از مرامه ایرانیان هم که

مجلس میگویند و میگویند خود را تمام امور میروند
 به معتمد است باید خدمت خود و باید داد بکنند آنها را
 بهر خدمت معتمدی هست که در نظر معتمد بکنند
 مگر در وقت این توفیق را چه به حق ملت و مسانک
 بران از توفیق هم می بکنی نظر معتمد است
 صحبت شد (اصح معتمد از توفیق توفیق استند
 صحبت در این مملکت موضوع را مدتی وقت بکنند
 رفیق دارد که آنچه مقدر بود کرد و پس مطالب خود
 نداده و باید بکنند هموار ما بدانند که ملت ایران
 خواستار خود خویش است و دولت موقوفه به اجرای خواسته
 ملت است (اصح) معتمدی که من خوشم نیاید از
 سازماندهی شادو خارج این بود ما مملکتی هستیم
 باستان ام از اینکه لطیف با مسلمانان دیگر داشته
 مسانک ما با فعالیتها بکنم هر چیزی و معتمد می
 خلافتی این معتمد است و قیاس قیاس قیاس مملکت
 فرخانی گفت که توفیق ایران چون خر به چشم او میروند
 میبیند که ایران در خود میانه از تمام مملکتی است
 این ثبات و امینتاری و آرامش که در ایران است در
 مملکتی که او استاده است نظاری بکنند بی شایسته
 اینکه ایران اوستاده اسلام درست کرده با فرادادی
 با مملکت اسلامی ستودند کرد و این طبقه سازماندهی
 شد بود که بعد از این تبلیغ دروغ خطیر گوی
 کند این تبلیغاتی از هر اندام هر هیئت و هر مملکتی
 کرد این هیئت قیاس مملکت را میباید که توفیق
 در ملی نه برای متوجه و غافل انگیزی و خرابکاری
 در کشورهای دیگر (اصح است) اینها را از اروپا در
 فرقیه با شیعیان و سنیان اساس نظری معتمدی خرید
 زود سر مبعوث شده بود بعد از در وقت معتمدی استند
 طبقه دیگری بر عهد وزارت خارجه و مغربان ایران
 مسانک دیگر هست آن عبارت از شناساندن ایران به
 سازمانها است در قسمت وزارت دارائی و بطلب توفیق
 مطالبی عرض کرده فایده خدمت نه از این قسمت
 کافی نبود بلکه آقای نخست وزیر سر کارند شناساندن
 کافی نیست باید کارمند سرای این کار شناساندن خوبست
 سازمان کاری که در وزارت دارائی میبکنند آنها را باید
 سازمان کاری که وزیر خارجه میکند سازمان معتمد

شاید ما هم همین رویه عمل کنند و دکتر توفیق
 این مثل استیضاح است هر قدر ما در اظهار نظر در مسائل
 معتمدی شاهد توفیق در وقتان معتمدی داشته باشیم
 مدت خارج بود در معتمدی و در معتمدی در همه چند روز
 توفیق شناساندن در این مملکت من که در بین مردم مملکت
 متوجه کرده ام این معتمدی برای شناساندن ایران و
 روشن کردن مملکت و دیگر تشکر و توفیق برای ایران
 چند روز بود ما اصلاح است (اصح است) با سرفرمان کسفر من
 نیستند سرفرمانها هستند و نظری سه روز بنویسند
 استند را بکنند از فصل در ظرف سه سال آن مجرای
 اصلاح معتمدی این تاریخ معتمدی است و نسبت آقای نخست وزیر
 در قسمت مربوط به وزارت اقتصاد و وزارت دارائی معتمدی
 را چه به قیاس معتمد بکنند از این قیاس قیاس
 موادی است اما توفیق و این معتمدی و اینها از مملکت
 هم برآید که توفیق بنده خرد و بی خبری این را
 مملکت میبوی و طبقه افراد با این مملکت معتمدی که
 بعد از کار کماری از حلقه جانی توفیق و دولت مملکت
 خوبان از این در آمد سر نظر کردیم بنابر این فلسفی
 را بکنند در کرم در این معتمدی دیگر قیاس
 نیست این معتمدی است و این معتمدی و کشت
 شود که مملکت ما باید (اصح است) در این وقت
 اصلاح و بنام توفیق باید قیاس معتمدی است و اینها را
 و مأمور قیاس بکنند فایده اصلاح است معتمدی این
 حقیقت با توفیق و دولت معتمدی که بنده داد بهر
 زیاد فرقیه مملکت مختلف هر معتمدی معتمدی
 اصول توفیق توفیق که در ۱۰۰ اصل اخیر در وزارت
 خارجه است آمده شان کار قدر است اما کافی نیست
 شناساندن این معتمدی که مملکت شناساندن توفیق
 همان کاشفاتی که خیال میکردند زنجیر غلامی فقط کار
 سفارت خان معتمدی استند میکند و وزارت جنگ
 حضرت عالی اطلاع دارد که بنده معتمدی هر ایرانی خود
 بنده بود که اختراع و علاقه و ستایش خاص به این حوض
 که در این ناس خدمت مملکت داره اصلاح است برای
 انظار کسی حق دارد بکنند که آماده کاشف باشند و غیر این
 مورد عرض است و من در معتمدی معتمدی آنها را آنچه
 که بشما اطلاع میکند برای اطلاع و علاقه به این

سازمان است. در وقت درج هر یک در ارتق
 پیشرفت می باشد. در وقت مراجع است اهداست
 میسر گردد. اما معطوفی که در پیش این امر گفته شد
 میسر است. هر چه در تحقق پیدا کرده تعزیرات جنگ
 بود تکمیل بود. فصل اول دوم در هر دو شان داده که جنگ
 منجر به مداخله است. که کمی وقت برای واریست و چگونگی
 مداخله همین بنشین. مرزها داشته است. الاقتن موقوفین باقی
 یا کمتر و این حفظ ملک است باید حکم کند. من از کسود
 قوای بحریه شده تناسب سایر قوای ملک است. کاره
 (مدرجنوب متعلقه و منتهی داریم که هر قدر
 خرج حمل کشتی بازره جازره (احسن) این عرض شد
 و اخیراً به جنگجوی و مبارزه طنی ایران نباید کرد. دولت
 ایران از سانکتی است که در صفت اول پیشتر نام سازین
 مثل متحد است. (صحیح است) خواه این حرفها را قبول
 داریم سیسگر از سازمان های همسایه است. کمک هر یک
 صلح طلب هم هستیم ولی سایر کار خوبان و بازرگان هیچ
 کار تمام نگذاشته اند. (صحیح است) حاضر بی جنگهای
 اگر ملت از کسود است. صحیح است. اجتناب آفت کشیدند
 اگر بنده در این مورد بازره حدت کم تیسر همانند
 هم لسانی نبود ولی برای خسته دادن ما این بحث
 یک کلمه ای از بحث ما می گوید که در شانزده به هیئتگی
 جنابلی بود اینجاست که در زمینه پیش چهل و چهار
 انبار فرموده که ما می گوئیم که قوای دفاعی و تقویت
 کنیم غیر ما می گوئیم شد قوای دفاعی را تقویت نکنید
 تا به آن پایه که خارج مژگانات و استه و حقیق و میبای
 دولت بود و به ارتش بدهد (صحیح است) بیست و نه
 ریاضی مناسبت وزارت جنگ که گوش میباید از این شریعت
 آموخته همین مناسبت و وزارت کشاورزی را در بدالشان
 میباید. در هر دو تمام و ارتشنامه های ما. ما خوبان
 مناسبت برید که در پیشگاه مناسبت است که بدوی خوش با هم
 دور بود میباید حمله ای که عرض کردم
 در ملک ما شاید درین تمام کلمه ای دیگر اگر
 خواهند توجیه بکنند یکی از همین ترین امر اصلاحات
 ارضی است. (صحیح است) این امر اصلاحات ارضی است
 ثبات عدالت و تعدیل ثروت به آن اعتقاد داریم به تنها
 الزامات بشر دوستی و احسانات الزامات انسانی است که در
 منسختن آدم ما سخن و بوجود آوردن افرادی که الزامات

نست بود. این مرزها و مرزها پیشتر توجه فرمائید و این
 نسبت میباید اندک پیشین کارهای کشنده است. اصلاحات ارضی است
 حتی اطلاع و در حلال مسخر ما این دست عملیاتیکه
 است. (صحیح است) این اصلاحات ارضی شد شروع کرد به منهدم
 کاهی همزمان نداشته میشد و این امروز زندگی داخلی
 روستاها از مسائل بسیار بزرگ است. در پیشتر آن کرده
 توفیقین داد و در وقت از تبدیل این کله ها که به شاه
 بلطانی و در اطراف خرابیها و وقت این تقریب در دولت
 کشاید برای آموختن راه رسید زندگی صلحت باشد
 از مسائل شرقی ما مهاجرین قول بکنیم که اینها هر چه
 در هر شهرت سر مشق سایر طبقات خوبان از لحاظ
 زندگی با بستانند ولی اول موقع این تحول بوجود نیامد
 آفتی که در پیشتر از این در زمانه ای نبوده است
 خرابیها و در این علاوه بر سوزان دیگری به بی بی
 گتیم مصلحتهای بود و در بعضی باینکه اگر سه ساله
 بود چه چیزی کرد. دکتر طعلی داشته نوشت که اخیراً
 اوضاع و احوال من امروز احسانت بیست ساله امروز را
 عارم که شامگوم بر این امر که بیست ساله بود امروز
 جمع بود. اگر من مربوط به بیست ساله قهرتند است
 امروزه دیگر این نظر میباید این بود ولی برای ما
 امروزه دیگر این فکر کنند کسانی که در روستاها
 پیشترند دیگر آن رعیت سابق نیستند آنها مثل من
 و شما را در سو خاندان داشت آنرا هم دارد تمام
 مسائل زندگی شان به قهرام خود و اینها بلک سخن
 معنی لازم دارند. همانکه هر چه در آورد خرج بکنند
 این طلب مشکلها هم به محاسبات فکری با بعضی مایل
 هیچ چیز نیست بر اثر آزاد آمدن که ما برای
 زارین بوجود آوردیم اگر راضی این وجود داشته اند
 به بدین طریق بود که ما در دوازده شرب بود و از این
 درآمد برای خود زد که متعلقه کرد. اینکار را این
 همان راه را با جهود رفت (کلام صحیح است) اگر چه
 از موقع آمدن شما توجه کافی به این امر شده ولی اگر
 کار کار میباید جوارز طعلی آفتی زوری کشاورزی هر چه
 روی میباید در اینک بحث نسبتاً تضمین درآمد و بخصوص

مزد و بجز خدمت و بیوانه خدمت در دولت دستکار نمی
 قرار داد. و آنهایی که کار با دوستی و حتی در خدمت بودند
 کار و در هر وقت وقت است. اینکار را در حکومت معضولی
 کشیدند و در بعضی موارد میبایستند. امیران را چه به
 اینگونه شعاع و موشها حدت بدلموش بزرگ کرد
 در اینصاحت که آنرا خدمتکار عرض میباید متعلقه
 است. (صحیح است) و این معنی شهرت است و معنی این کلمه
 است (صحیح است) آفتخوری کشاورزی شما آمدن ما
 مالکینی که اگر بنده کارشان با آزیم اصلاح شدونی در سه
 خود میباید چه در همان مدتی نبودند بسیاری از مالکین
 هفتین خدمتکاران ملک بودند و در آن موقع طبق
 قوانین کفرنامه ای میگردیدند. ملک دولت
 نیست کرد آنها هم به این از خود کشتگی انتقال کرده
 اگر کم نکنند ضابط قانون پس کردن را میگردید
 و سر جای خوبان میفتید بر ملا نیست بکنانی که
 بر خلاف کفرنامه صورت شتر خود بود. در آن موقع طبق
 میباید نقد انتقال در مورد این طبقه متعلقه است چه
 بر نامه ای دارند با بون و وزارت کشاورزی و اطفال شاه
 ملت و این دو امر که نامدر دور بود معنی خدمت است
 خدمت و در رفتن به امری که جتنش دارد و اصلاح است. اصلاح
 میباید بنابر بواقی که پیشتر را مأمور کشیدند اینکار را
 میباید بداند (صحیح است) و بیسوز در کشاورزی آن
 مدتی نده است. متعلقه بود و این فرماری است که در زمین
 تکلیف شما میباید و در وقت است. اصلاح میباید در بعض
 تشریف یابید و بیسوز طبقه متعلقه که بیجهت اجرای
 این امر داشته و بیسوز اصلاح میباید برای اینت برین
 و اینکه بی تولید کنندگان و مصرف کنندگان با بیکو
 های همبر و راضی این ایجاد دادگاههای جنابلی خیلی یاد
 است و ملامت متعلقه که خیلی خوب پیش میباید ولی
 نگرارش داشته بکنند. خدمتکار میباید اینت پیشتر
 شده و تکیه میباید بر خریداری در دایره چه تشریفها
 دیگر در اوج بیسوز زندگی بیسوز است. اینها بکنند
 جلای از بیسوز آمدن بیسوز که بنظر میاید بیسوز
 ندارد اگر گفته میباید بیسوز که گفت بیسوز چرک
 میگوید منت زندگی مثل تمام صنایع دیگر باید
 آموخته شود. بیسوز در آن زمین بیسوز پیشتر کنند
 نده است. اصلاح میباید این طلب منت زندگی در روستاها

در آن حاضر بر مبنای این هشتاد که نه امضات سرورگردان است در بر سر آن یک داد و موافقت کرده اند که حتمت که در وجود خود شده حتمت من در جندنامه باشد بدو فرو نمودن خود بدین تفکر داده شود و بدو واقع می نماید به حدی که برای امضا به ملک شده حتمت را می گویند هر چه در هر منفصله باشد بخوابد نیز از آن که از دست رفتن معاصر جنگها شد وقتی میگویند این مینویسند کورت در مورد متعلق نبوده و امروز حق برین شاخه ای آنرا انداز می نمایند پس برای این ترس و استواری می بود اقب و انسان دو میخورد که غوغا شود بی ترس تراکت ، اجازت ، حقوقی و تقیم و تعهد بنگارید این پستی آن نیست که میگویم در دستگاه که نیست من هر روز با شماستانی دارم هر روز با کلتوری اخلاق میگویم بر آنهایی که در روز دستها هستند اختلال دارد لاچار باشند مضر ضایع استراحت یافته اند و تفکر کافی نمیکند بنده راجع به اینها میگویم تفکر افهم چند که در اینها چند نماندگان) چند روز قبل در آنوقت وزیر است و تفکر کافی بودی و در وقتها و دستهای واقعا قابل توجهی دیده در تمام قسمت های مربوط به تفکر ، اخلاق ، مخدرات و مواصلات دیگر بر نامه می بود که اوضاع احساس لندن کرده و منتهی حتمت که بدید در مترق ترین مسائل ما اگر شما به اتفاق وزیر است و تفکر کافی بر روی چه از لحاظ آبیود هائی که تهیه شده بودی و زمانی که قبض شده بودی چیزی بیاد نیستی در و نسبتاً استنباط می بینی بیشتر تفکرها هم دیده اند که همه اینها شفاعت عاجز میباشند و تقدیر بفرمانک بنظر من باید که روزی در نزد من خود من از برای رفتن از اینجا بهشت بر شام دعوت وقت لازم بود و امروز در وقتها کامل میخواند گوش و نظن را بر می دارد و بهشتی رحمت میکند اما شورش بر اینها نیست مگر خراب باشد یک مخالف است که کوچک است ولیکن از استریم گری با می میگذارد اگر آنکه با شرف میگوید میخواند همیشه کیم جناب آقای نخست وزیر میگویند سیم خراب است یک مخالفی نیست که در قدرت بشر باشد ممکن است یک طرفی باعث از بین رفتن سیم شود

نظن جواب میدهند امضای تازه جواب منفی امگر شد جواب را نخواهد داد جناب آقای هودا همنظری که کسی حرف میزند دیگر مسئول شده اصلاحات اینکند اقدام می شود ، پس از ملاحظاتی لازم دستور داده میشود هم دیگر گفته شده اصلاح است) بنابراین بنده کافذ شرک نظن را خدمت شما میفرستم برای اینکه یکبار در این ملک کومند اینکه آختر زمین اسم شاستند برای حقوق و سایر چیزها مانند که رسیدگی در کارخانه هست بر مبنای بشرکت نظن ابلاغ کنند که مؤذن این کافذ تهیه کنند جواب واصله گفته شده کسی بود موجب تأخیر نمی بود ؟ حتی هم اگر بودی کار یکدیگه بنایید پیش از بیرون بفرمایند تا رؤیای بعضی بداند که چه میکند و نگلیشانی چیست ؟ اینکه حرف نشناید از جزو علم شاخته این نیست که جواب نامه می مردم از فری بدیده ؟ مسئولی شرکت نظن شاجواب کافذ را بعد از دو ماه میدهد برای بررسی که تصمیم گرفته شد پس توسط می شود که بزرگوار و تفوا افتاد اطلاع ندادند پس اقدام قضتی خواهد شد زیرا ما در مدرسه علم امضاء میکند بنده اجازه میخوانم راجع به خوبی و بدی اشتضا در اینجا صحت تکم بدین هیچکند به تفاروق میبندم کلبیان قضتی خود را بیکر از منفعتی برای آدمی که که در زندگانی بدیدم پیش است) ولی تمام این ایرادها را بکنان داد میدانم پس بنابراین رئیس فلا شرکت آدم خوبی است ملون فلاخا دارد کار میکند اینجا یک مسائلی است که میگذرد در دهان نمی خورد باید در بدین صورتها مشاغل او را بدیندند دنبال این مطلب راجع وزارت اطلاعات چندگانه روزی دارم آموغهی که بر قردقروان خیلی مثبت بودک بعضی من برایش شرکت برکت کفتم گرشا از این جهت مشکل است که برای تمام سابقین تهران باید یک تکم کارخان کافذ کتر است کلبه الا را بنا میگویم که در تمام معلوم می شود در کارخانه شای خوب کار میکنند این مطلب در مورد وزارت اطلاعات در او بود محقق میکند بشیخ را او بود تمام نامه ها است بنابراین همین نسبت کنترل کار شما

اداره چاپخانه مجلس شورای ملی

در اختیار بدهد مردم در دهان و داخل فرار کرده چه از کلبه که بیشتر فقرا را طبعی سر به خنورد زبیر فضل کی بود ؟ منصفه - حسب آقای مینس این چه زمان آقای مینس و چه دستگاه فلسی نشان که من نهفتن از اطلاعات کبار و مدیریت ملکه از لحاظ آنچه که وزیر آختر وزیر و بیرون توصیه کرده از لحاظ شرکتهای نوام و دانشمندی وزیر ضعیف تر تا تلیل ملکی است (حتمت) اینک که این نهال شخصیت در تمام کربمنان میگذرد که بدینکند گزارش شده اند تا این خدمت را بنام این مطالب بر نورده وزارت اطلاعات نیست بدینجا جان ملک است که کتب و کتب و روزنامه ها نشان داده اصلاح است امضای بر این منتخبات بر سر می شود باید ضعیف طاق و دیار است و این اصلاحی است (صحیح است) آقای شیخ این تغییر شما و بدینهم نیست این مسئله لازم دارم این اطلاعات بر این مسئله است بوجه این مؤسسان وابسته و ناگزیر بدین باین فرجه لازم اختصاص بدید.

وقتی - آقای امید ؛ ذکر از افتاد شاخه ای بقی مانتصاف بعد از نظر اداره فرستاید.

رهید - اگر اجازه بفرمایید به ساعت دیگر ادامه خواهد داشت.

۲- تصویب صورت جلسه

رئیس - صورت جلسه وضع گذشته نظری نیست ؟ آقای سنجی بفرمایند

سنجی - اصلاحاتی است به تدوین میباید.

رئیس - اصلاح می شود. آقای مینس بفرماید

دکتر مینس بفرماید اصلاحاتی است به تدوین میباید.

رئیس - اصلاح می شود ، نظردیگری نیست صورت جلسه نیست ؟ (ظلمی را ندانم صورت جلسه نقلی تصویب می شود.

۵- تعیین موقع جلسه آینده - عزم جلسه

رئیس - با اجازه خانها و آقایان چون چندی ساعت وقت جلسه نماینده جلوس را تعیین کنیم جلسه آینده است. همانطور که در روز خواهد بود.

(یک ساعت از نظیر جلسه شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مینس جناب رهیدی